

ارزیابی نمایندگان و وزراء صاحب نظر از عملکرد
برنامه اول و کاستی ها در نظام برنامه ریزی

■ برنامه دوم؛ در جستجوی تئوری ها و اهداف راهگشا

با نظراتی از:

- * آقای علی اصغر باغانی، رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی
- * آقای سیدرضا تقوی، رئیس کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط
جمعی
- * آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها
- * آقای محمدهادی عبدخدایی، رئیس کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی
- * آقای مهندس سیدمحسن یحیوی، رئیس کمیسیون نفت
- * آقای دکتر اسدالله رضوی، عضو کمیسیون اقتصاد و دارایی
- * آقای مهندس رضا عبداللهی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه
- * آقای مهندس علی مبینی دهمکردی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه
- * آقای سلیمان میمندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- * آقای ابوالفتح لیکام، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- * آقای مهندس غلامرضا آقازاده، وزیر نفت
- * آقای دکتر عیسی کلاتری، وزیر کشاورزی
- * آقای مهندس مرتضی الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اشاره:

اصول حاکم بر یک برنامه خوب، ارزیابی نظام موجود برنامه ریزی، ضعفهای اطلاعاتی در برنامه ریزی و تأثیر متقابل برنامه و روابط خارجی از جمله مواردی است که در پایان این بخش در قالب شش سؤال از تنی چند از نمایندگان مجلس، وزرای کابینه و کارشناسان برسیده ایم. با هم پاسخهای ارائه شده به سئوالات مجلس و پژوهش را می خوانیم:

سؤال اول - اصول حاکم بر یک برنامه خوب کدام است؟ ویژگیها کدام؟ آیا نظام موجود برنامه‌ریزی، می‌تواند جوابگوی شرایط ویژه کنونی باشد؟

آقای علی‌اصغر باغانی، رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس:

برنامه پنجساله اول که ماههای آخر آن سپری می‌شود، بر سه محور استوار بود؛ بازسازی، کارهای زیربنایی برای مملکت و تعدیل اقتصادی.

برنامه در بازسازی، نسبتاً موفقیت داشت، برای این که خرابیها بسیار زیاد بود، و با تلاشی که مسئولان اجرایی انجام دادند، تقریباً به هدفهای برنامه در امر بازسازی رسیدند. اما در انجام کارهای زیربنایی به نظر می‌رسد که اشکالی وجود دارد و آن ارتباط بیش از حد این کارها به درآمد نفت است که هم محدود است و هم نامطمئن. و اگر اینطور ادامه پیدا کند همه منابع کشور در این امور صرف خواهد شد و آنگاه جمعیت ۶۰ میلیونی کشور زیر فشار تورم و گرانی قرار خواهند گرفت. خوب است که کارهای زیربنایی در رأس باشد اما اگر قرار است فشار سنگینی از این ناحیه به مردم منتقل شود باید برای آن فکری کرد.

برنامه‌ریزها اگر در این زمینه طوری فکر بکنند که کارهای زیربنایی، حتی کندتر پیش برود اشکالی ندارد، ولی به وضع مردم رسیدگی بیشتری بشود، بویژه در کارهای فرهنگی، مقابله با تهاجم فرهنگی و حفظ

ارزشهای انقلاب سرمایه‌گذاری بشود، اگر کارهای زیربنایی دیرتر به نتیجه برسند اما در این موارد سرمایه‌گذاری لازم بشود بهتر خواهد بود.

محور سوم هم، تعدیل اقتصادی بود. اگر تعدیل اقتصادی با همان شتابی که برنامه اول داشت بخواهد پیش برود، باز فشار آن متوجه مردم می‌شود و این خود، اشکال است. باید برنامه‌ریزان، در برنامه پنج ساله دوم، این اشکالات را مدنظر داشته باشند. با توجه به محدودیتهای درآمدهای دولت و منابع مالی دولت و با توجه به بالا رفتن سطح زندگی در جهان و کشور، باید کاری بکنند که فشار به مردم منتقل نشود.

آقای سیدرضا تقوی، رئیس کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی:

کلیات مطلب، مثبت به نظر می‌رسد. اما بحث اصلی این است که مجلس، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را تصویب می‌کند، نه تمام موارد مربوط را. درحقیقت آن چیزی در مجلس به صورت لایحه یا طرح، تصویب می‌شود که نیاز به قانون داشته باشد.

فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور است و به همین خاطر برنامه‌های یک کشور، نمی‌تواند برای کشور دیگری الگو قرار گیرد.

نظام برنامه‌ریزی در کشور ما به لحاظ جوان بودن، تجربه کم و گسستگی بین عوامل تشکیل دهنده یک برنامه مناسب، از مطلوبیت لازم برخوردار نیست.

به عنوان مثال بین اهداف بخشها و اهداف کلی کشور، هماهنگی لازم وجود ندارد. مثلاً میل به استقلال و خودکفایی در کشاورزی، یکی از اهداف نظام است، لیکن صنعت ما آن قدر که در تولید خودروهای سواری و سایر صنایعی که ماده اولیه آن را از خارج وارد می‌کنیم، سرمایه‌گذاری کرده، در صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی که ماده اولیه آن را در داخل داریم سرمایه‌گذاری نکرده است.

مورد دیگر، نظارت بسر عملکرد دستگاههای اجرایی است. سازمان برنامه و بودجه موظف بوده هر ۶ ماه گزارش پیشرفت و میزان تحقق اهداف برنامه را به مجلس ارائه دهد ولی عمل نشده و در حال حاضر ما نمی‌توانیم ارزیابی صحیحی از عملکرد برنامه اول داشته باشیم، و یا در برخی از موارد با وجودی که حداکثر ۷۰٪ یا ۸۰٪ نیازهای نیروی انسانی و امکانات و اعتبارات بخشها تأمین گردیده، در تحقق اهداف برنامه اعلام می‌شود که به ۵۰٪ یا ۸۰٪ بالاتر از اهداف برنامه دست یافته‌اند و

● آقای جلالی، رئیس کمیسیون کشاورزی: سازمان برنامه و بودجه موظف بوده است که هر شش ماه گزارش پیشرفت و تحقق اهداف برنامه را به مجلس ارائه دهد ولی این مسأله تحقق نیافته است.

آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها:

یک برنامه خوب می‌بایست پاسخ دقیق و مشخصی برای این سؤالات داشته باشد: چه کاری باید انجام شود؟ چرا باید انجام شود؟ چگونه باید انجام شود؟ به وسیله چه شخص یا سازمانی انجام شود؟ چقدر هزینه دارد؟ چقدر زمان می‌طلبد؟ و چگونه نظارت می‌شود؟

یعنی دارای هدف معین و قابل دستیابی و ارزیابی، خط مشی و استراتژی روشن باشد. اما مهمتر از همه نحوه نظارت است که تنها در صورت مشخص و گویا بودن آن، سایر عوامل امکان‌پذیر خواهد شد.

برنامه یک نوع پیش‌بینی است، لیکن اگر با توجه به روند گذشته و شناخت حال و تجزیه و تحلیل متغیرها، صورت پذیرد، به واقعیت کاملاً نزدیک خواهد شد. اگر به این عوامل توجه نگردد، قطعاً فاصله برنامه و عملکرد، زیاد خواهد شد.

نکته مهمی که باید در نظام برنامه‌ریزی مورد توجه داشت، لحاظ نمودن ویژگیهای

آن از ضروریات برنامه‌ریزان در نظام اسلامی است و گرنه برنامه‌ها در راستای اهداف اسلامی نخواهد بود و خواست ملت انقلابی را تامین نخواهد کرد، چرا که مدل و الگوشان شرق خواهد بود یا غرب. و از اینرو در برنامه‌ریزی هم گاهی گرایش به شرق پیدا می‌کنند و گاهی به غرب، به عبارت دیگر چون از اسلام و مدل‌های آن آگاهی ندارند، هیچگاه نمی‌توانند تئوری‌های اسلامی را در برنامه‌های خود پیاده کنند.

۲- دانش فراوان: برنامه‌ریزان باید از دانش بالائی برخوردار باشند.

۳- تخصص کاربردی: طراح یک کشور حتما باید روزگاری را در مسئولیت‌های رده بالای کشور سپری کرده باشد تا بتواند با دید وسیع، کلیه امکانات، نیازها و مشکلات آن را ببیند.

سیاست‌های طرح: همانطوری که در هر فلسفه‌ای حکمت نظری و جهان‌بینی، اصل و زیربنا برای حکمت عملی و ایدئولوژی است در یک نظام حکومتی هم سیاست‌های آن نظام به عنوان زیربنا و اصول لازم‌الاجرا

قس‌علیهذا...

امید است انشاءالله با شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه اول، بتوانیم برنامه مناسبی را برای پنج ساله دوم تدوین نماییم.

آقای دکتر محمد هادی عبد خدایی، رئیس کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی:

برنامه، دارای عالیترین نقش سازنده در زندگی و زیربنای هر حرکت صحیح است. هر سازمان - حتی کوچک - باید دارای برنامه مدونی باشد بطوریکه فعالیت‌های آن از ابتدا تا هنگام نتیجه، با مکانیزم مشخصی انجام گیرد.

در یک برنامه‌ریزی صحیح باید به موضوعاتی عنایت داشت که مهمترین آنها بدین قرار است: خصوصیات طرح، سیاست‌های طرح، ویژگی‌های طرح.

خصوصیات طرح: در یک نظام ارزشی مانند جمهوری اسلامی، برنامه‌ریزان باید دارای خصوصیات فراوانی باشند که می‌توان سه ویژگی زیر را به عنوان مهمترین آنها بیان نمود:

۱- آگاهی و تعهد مکتبی: اطلاعات کافی از دستورات اسلامی و متعهد بودن به

● آقای دکتر عبد خدایی، رئیس کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی: برنامه‌ریزان در نظام جمهوری اسلامی ایران باید دارای سه ویژگی آگاهی و تعهد مکتبی، دانش فراوان و تخصص کاربردی باشند.

داشته باشند. هر چیزی باید جای خودش قرار گیرد. یک کشور باید دارای سیستم باشد، یک مملکت را نمی توان تنهایی اداره کرد، اداره یک کشور با اداره یک جلسه یا دهکده فرق دارد.

۳- ارزشها: همانطور که در سیاستگذاری گفته شد، ارزشها و آرمانهای انقلاب را نباید فراموش کرد. استقلال مالی و عدالت اجتماعی از آرمانهای انقلاب اسلامی بوده است. اگر در برنامه ریزی ها این دو اصل مهم ضربه بخورد، بنیان انقلاب آسیب می بیند، اگر قرار باشد در برنامه ریزی های اقتصادی وابستگی پرولی پیدا کنیم و یا قشر محروم و مستضعف را نادیده بگیریم، به اهداف عالی انقلاب و آرمانهای والاّی که ملت ما در راه آن جانفشانی کرده است ضربه زده ایم.

۴- نیازها: خواست و نیاز مردم تحت پوشش دستورات الهی باید در سرفلوحه برنامه های حکومت باشد، اگر توجهی به رضایت مردم نشود، مردم به انقلاب و نظام بدبین می شوند، و نظام ضربه خواهد خورد. اگر کشور با توجه به نارضایتی مردم رشد هم پیدا کند، چندان فایده ای ندارد چرا که نارضایتی مردم پایه های نظام را متزلزل کرده و باعث نفوذ استعمار می شود.

۵- امکانات: در برنامه ریزی باید به امکانات موجود و بالقوه کاملاً توجه بشود. طرح های ایده آلیستی جز خیالبافی نتیجه ای ندارد، بلند پروازی ممکن است برای مدت

در برنامه ریزی محسوب می شوند. مثلاً با عنایت به دستورات اسلامی در برنامه ریزی اقتصادی باید به این نکته توجه داشته باشیم که رشد و توسعه باید در راستای عدالت اجتماعی باشد و در برنامه ریزی سیاسی باید به ولایت الهی و استقلال ملت اسلامی از ولایت های طاغوتی عنایت داشت و در برنامه ریزی فرهنگی هم باید توجه به رشد و تعالی انسانی مدنظر باشد.

ویژگیهای برنامه: ویژگیهای لازم برای یک برنامه صحیح و کامل عبارت است از:

- ۱- بررسی آماری: انسان هنگامی می تواند برنامه ریزی صحیحی داشته باشد که اطلاعات کافی در اختیار او باشد، نهرو نخست وزیر انقلابی و فقیه هند زمانی به تهران آمده بود، در سخنرانی خود می گفت پس از پیروزی انقلاب هند اولین کاری که انجام دادیم آمارگیری دقیق از کشورمان بود. سپس فکر کردیم که برای این جمعیت با همین خصوصیات چقدر پزشک لازم داریم، چقدر مهندس، چقدر حقوقدان و... بعد از آن در این راستا برای تامین نیروی انسانی برنامه ریزی کردیم، ما هم در هر برنامه ریزی باید به آمار و ارقام توجه داشته باشیم و سپس بر مبنای آن برنامه ریزی کنیم.
- ۲- علمی بودن: در برنامه ریزی باید از عوام زدگی پرهیز کرد، برنامه ریزان یک کشور باید وسعت نظر داشته باشند. رابطه علت ها و معلول ها را باید در تدوین برنامه در نظر

جمعیت کشور را یک شرط بنیادی برای توسعه اقتصادی می‌دانست، در نتیجه افزایش بسیار بالایی در بودجه آموزشی و پژوهشی کشور پیش‌بینی شد.

۷- الگوها و مدل‌ها: مدل‌ها می‌توانند نشانگر حقائق باشند. می‌گویند بهترین دلیل بر امکان شیء، وجود آنست، هنگامی که ما در تاریخ ملتهایی را مشاهده می‌کنیم که سالها از سعادت برخوردار بودند و متقابلاً اقوامی را مشاهده می‌نمائیم که نابود شده و از بین رفته‌اند. زندگی آنان می‌تواند بهترین سرمشق برای برنامه‌ریزی ما باشد. همچنین بررسی رشد و توسعه برخی از کشورها و عوامل عقب‌افتادگی برخی دیگر می‌تواند ما را در طراحی و برنامه‌ریزی کمک شایانی نماید، البته مشکل است بتوانیم الگوئی را بصورت صددرصد برای خود انتخاب کنیم ولی می‌توانیم به پیروی از آیه مبارکه «قبشر عبسادی الذین يستمعون القول فیتنبعون احسنه» خوبی‌ها را از مدل‌های پیشرفته گرفته و سرمشق کار خویش قرار داد.

عنایت به این نکته هم ضروری است که در تحلیل عوامل دقیق باشیم که مبادا مباحث با یکدیگر خلط شود مثلاً در حال حاضر برخی از کشورها از نظر اقتصادی و صنعتی پیشرفت کرده‌اند ولی از نظر اخلاقی و فرهنگی در انحطاط بسر می‌برند، پیشرفت آنها در اثر علم و کارایی است و انحطاط آنها در اثر بی‌دینی و بی‌بندباری است. اشتباه عوامل موجب می‌شود که برخی دانسته یا ندانسته عامل پیشرفت را بی‌دینی معرفی کنند و یا آنکه چون از نظر

کوتاهی مردم را امیدوار کند ولی سطح توقع و انتظار را بالا می‌برد و مردم هنگامی که دیدند آن طرحها برآورده نشده، بدبین و مأیوس می‌گردند. گرچه باید بفکر ازدیاد درآمد در ابعاد مختلف بود ولی بهر حال ما یک بودجه مشخص داریم و باتوجه به آن باید برنامه‌ریزی کنیم.

۶- اولویت‌ها: باتوجه به امکانات موجود باید اولویت‌ها را در نظر گرفت، تمام خواسته‌ها را نمی‌توان یک شبه پیاده کرد، سازندگی کشور زمان می‌خواهد، از اینرو باید مرحله به مرحله انجام گیرد، خداوند در مورد اصل آفرینش می‌فرماید «ولقد خلقکم اطوارا و چون ناگزیر از آن هستیم باید اولویت‌ها را در نظر بگیریم.

یکی از موضوعاتی که در صدر اولویت قرار دارد تامین نیروی انسانی است، از پایان جنگ جهانی تاکنون در ژاپن ۱۱ برنامه اقتصادی تدوین شده است برخی از آنها توسط دولت تصویب نشده ولی برخی به مرحله اجرا هم درآمده است، یکی از برنامه‌های موفق «برنامه دو برابر کردن درآمد» در سالهای ۷۰-۱۹۶۱ بوده است، برنامه مذکور روی پرورش نیروی انسانی تاکید بعمل آورد. این اولین برنامه اقتصادی دولت بود که افزایش توان و مهارت

۹- خرد و کلان : در برنامه ریزی خرد باید توجه به کلان و در برنامه ریزی کلان هم باید عنایت به خرد باشد. نقش سازمان برنامه و بودجه آن است که هم توجه به کل کشور و سازمانها و وزارتخانه ها داشته باشد و هم هر سازمان و وزارتخانه ای را در محدوده خودشان مورد عنایت قرار دهد، بطوریکه بنحو عاقلانه ای بتواند بین سازمانهای مختلف هماهنگی ایجاد کند.

۱۰- عامل زمان : برخی از برنامه ها باید به صورت فوری انجام گیرد و بعضی در آینده. برخی در کوتاه مدت و بعضی در درازمدت، برخی به صورت مقدمه و پیش نیاز و بعضی به صورت ذی المقدمه، هر برنامه ای باید در مقطع خود طراحی شود و انجام گیرد و گرنه گاهی مضر بوده و گاهی هم بی فایده خواهد بود.

۱۱- خصوصیات جغرافیایی و اقلیمی : رشد و توسعه یک کشور را باید در راستای امکانات طبیعی آن قرارداد، برخی از نقاط برای کشاورزی مساعد است و برخی برای صنعت. در کویز نباید به فکر صید ماهی بود و در شوره زار هم نباید سرمایه ملت را نابود نمود، هر نقشی باید سازگار با عوامل طبیعی باشد و در هر برنامه اقتصادی باید توجه اقتصادی ملحوظ گردد، گاهی در برنامه ریزی ها در اثر احساسی فکر کردن و یا اشتباه، بیت المال و سرمایه مردم آتش زده می شود و بازدهی چندانی هم نخواهد داشت.

۱۲- جمع بین کنترل و آزادی : اصل

● مهندس عبداللہی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه: در شرایطی که منابع، بسیار محدود است، خوب اندیشیدن برای تخصیص منابع، یک هنر است و منافع ملی ما ایجاب می کند که برای رسیدن به آن، اولویتهای واقعی را تعیین کنیم.

صنعتی پیشرفت کرده اند از بی بندوباری آنها تقلید کنند. بزرگترین مشکل جهان سومی ها در همین نکته است، بجای آنکه علم و تکنولوژی را از دنیای صنعتی فرا گیرند بوالهوسی و بی دینی شان را می گیرند.

۸- رشد و توسعه : در برنامه ریزی، رشد و رقابت از ضروریات است. همانطوریکه اگر دو روز یک انسان مساوی باشند مغبون است، یکسان بودن دو روز یک کشور نیز همین وضع را خواهد داشت. حتی می توان گفت تساوی در این مورد معنی ندارد، زیرا اگر در مقابل رشد جمعیت و نیازها، امکانات رشد پیدا نکنند، کمبود بیشتری پدید می آید. لذا در جا زدن واقعاً موجب عقب گرد است. در برنامه ریزی اضافه بر آنکه باید به برنامه های کوتاه مدت توجه بشود، عنایت به برنامه های درازمدت هم ضروری است. کارهای روزمره به هیچ وجه نباید مانع رشد و توسعه باشد، بلکه کارهای روزمره هم باید در راستای آن انجام گیرد.

محصولی بیرون آورد و دراین راستا او را حمایت کرد. یک کشاورز گندم کار و با جوکار روی همرفته یک ماه در سال به کار مشغول است و بقیه سال بی کار است. اولاً این کشاورز باید در فصل دیگر علاوه بر گندم و جو کشتهای مناسب دیگری هم داشته باشد، ثانیاً همراه کشاورزی به پرورش دام گرچه به صورت سنتی هم پردازد، ثالثاً همراه با آندو به صنایع دستی مانند قالی باقی هم اشتغال داشته باشد. در کلیه موارد این موارد هم دولت باید حمایت کند.

با توجه به اشارات فوق هم سطح درآمد روستائی بالا خواهد رفت هم محصول کشور بیشتر خواهد شد و هم دولت مبلغ فراوانی به صورت سوبسید نمی پردازد. البته در حال حاضر سوبسید تا حد لازم و معقولی - نه به صورت گزاف و غیرمنطقی - ضروری است. خرید گران غلات عوارض دیگری را هم در بردارد، با گران شدن آن خوراک دام هم گران می شود زیرا مقداری از

برنامه ریزی موجب می شود که مجریان در قالب محوری انجام وظیفه نمایند و طبق برنامه حرکت کنند. البته این موضوع ضرورت دارد و حساب و کتابی هم باید در کار باشد، ولی در عین حال باید تا حدی در همان برنامه قدرت تحرک به مجریان هم داده شود، تا آن اندازه که از اصل برنامه منحرف نشوند و تا آن اندازه که منجر به حیف و میل بیت المال نگردد.

۱۳- عوارض جانبی: در برنامه توجه به عوارض جانبی ضرورت دارد. ممکن است برنامه ای به صورت مجرد بسیار خوب و انسانی باشد ولی عوارض جانبی آن جبران ناپذیر باشد. مثلاً دولت، گندم و جو را به بهای زیادی خریداری می کند. در این خرید به نظر می رسد حمایت از کشاورزان انجام گرفته و در راستای ترقی کشاورزی آنها در مورد کالای اساسی و استراتژیک گام مثبتی برداشته شده است. از طرفی هم به جای ارز جهت خرید گندم خارجی ریال به تولید کننده داخلی پرداخت شده است. البته در اینکه کشاورز باید حمایت بشود و زندگی او به خوبی تامین گردد هیچگونه صحبتی نیست ولی راه صحیح آن گران خریدن محصول او، آنها در یک کالای بخصوصی نیست. بلکه او را باید از این حالت تک

● مهندس علی مبینی دهکردی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه؛ تا هنگامی که یک گروه تحقیقاتی مستقل و بی طرف از بخش خصوصی عملکرد دستگاهها را در طول برنامه بررسی نکند، نمی توان به آمار و ارقام ارائه شده از سوی مجریان پروژهها در مورد پیشرفت کارها اعتماد کرد.

در برخی اهمیت بسزایی برای مداخلات دولتی قائل هستند و در برخی عنایت بیشتری به نقش مردم وجود دارد. برخی از سیستمها کاملاً انقباضی و برخی باصطلاح خیلی باز عمل می‌کنند. ولی در برنامه‌ریزی صحیح توجه به وظیفه و نقش هریک، ضروری و لازم است. باید عنایت داشت که دولت در چه مواردی مباشرت کامل داشته باشد و در چه شرایطی مداخله و در چه مواردی باید نقش نظارت و کنترل را ایفاء کند. از طرفی، مسئولیت بخش خصوصی در مقابل جامعه چقدر است و تا چه حدی باید آزادی داشته باشد؟ بخش خصوصی تا چه حد ایفاء وظیفه می‌کند و تا چه اندازه می‌توان امیدوار بود. که در مواقع اصطلاح و برخورد، منافع اجتماعی را بر منافع شخصی مقدم دارد؟

توجه به این نکته کاملاً ضروری است که برنامه‌ریزان باید شهامت خاصی داشته باشند به طوری‌که به هیچ‌وجه اسیر دست جو و جوسازان نشوند، واقعیتها را ببینند و مصالح کشور را در نظر بگیرند و با صداقت و امانت آنچه را که حق می‌دانند در برنامه‌ریزی اعمال کنند و گرنه برنامه‌های آنان گرفتار جو زدگی شده و کشور هیچگاه سامان نمی‌گیرد. گاهی جو تند شوق زدگی آنها را در خود غسوق می‌کند و گاهی غرب‌زدگی و کشور بمانند تخته چوبی که بر روی امواجی قرار گرفته و به این طرف و آن طرف پرتاب می‌شود.

خوراک دام را جو تشکیل می‌دهد. مضافاً بر آنکه گرانی آن روی یونجه و ذرت و غیره هم اثر دارد و هنگامی که خوراک دام گران شد، گوشت و فرآورده‌های گوشتی و دامی هم گران می‌شود، هنگامی که این فرآورده‌ها گران شود، قهراً تورم پدید می‌آید.

از طرفی گرانی غلات روی سایر اقلام کشاورزی هم اثر دارد یعنی یا باید دولت به همه آنها سوبسید بدهد و یا آنکه به تدریج از گردونه کشت خارج گردند، مثلاً هنگامی که کشاورزی مشاهده کرد دولت گندم و جو را به بهای بسیار خوبی خریداری می‌کند دیگر رغبتی به کاشت پنبه یا چغندر نخواهد داشت. در نتیجه محصول چغندر و پنبه کم می‌شود و با کاهش محصول، کارخانجات قند و پارچه‌بافی ضربه می‌خورند، کارگراها بیکار می‌شوند و وابستگی کشور به واردات زیادتر می‌شود.

۱۴- حوادث ناگهانی: در برنامه‌ریزی باید عنایت خاصی به حوادث ناگهانی و تحولات بین‌المللی وجود داشته باشد. مثلاً برنامه‌ریزی اگر بر مبنای نفت و فروش آن انجام گیرد و فروش نفت هم بشکله‌ای ۱۷ دلار در نظر گرفته شود، باید توجه داشت که اگر مشکلی برای نفت و یا بهای آن پدید آمد چه باید کرد؟ حتی هنگامی که کشور دارای درآمد سرشار است باید پیش‌بینی روز تهنی دستی خود را بکنند.

۱۵- دولت و مردم: حکومتها و سیستمهای گوناگونی در جهان وجود دارند.

رسیدن به آن عملی باشد، واقع‌بینانه باشد، همه جوانب در نظر گرفته شده باشد و استفاده از همه امکانات در طول برنامه مطرح باشد. روش اصلاح آن در طول برنامه، پیش‌بینی شده باشد. نظام برنامه‌ریزی موجود با یک مقدار سعه صدر و توجه بیشتر به نظرات کارشناسانه، می‌تواند جوابگو باشد.

آقای مهندس رضا عبداللهی، نماینده ماه‌نشان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه: اصول حاکم بر یک برنامه خوب، عبارت است از رعایت منطق صحیح در طراحی و تدوین برنامه و مهمترین اصل آن، سپردن این کار به دست افراد کاردان و صاحب نظر و با ایمان است. برنامه خوب، باید مبتنی بر واقعیاتی باشد که قابلیت اجرایی داشته باشد. اعتبارات ریالی و ارزی، با ظرفیت کالایی و نیروی انسانی و امور زیربنایی و... باید سازگاری داشته باشند. به هر میزان که از توان حقیقی در تنظیم برنامه فاصله پیدا کنیم، به همان اندازه برنامه را غیر عملی و ناموفق می‌کنیم. مهمترین ویژگی برنامه، شناخت توانایی و قدرت انجام کار در طول برنامه، براساس اولویت‌ها بر پایه همکاری و هماهنگی بین بخش‌هاست.

به عنوان مثال، در برنامه پنج ساله اول قرار می‌شود، تعداد دانشجویان کشور از حدود ۲۹۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۷ به ۴۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش یابد. یعنی

سبوری در آزا

آقای مهندس سید محسن یحیوی، رئیس کمیسیون نفت:

ویژگیهای یک برنامه خوب و مرفق عبارت است از:

- شناخت دقیق وضعیت موجود
 - در اختیار داشتن اطلاعات دقیق و کامل
 - تعیین اهداف کمی و کیفی واقع‌بینانه و مبتنی بر منابع و امکانات.
 - وجود استراتژی و سیاستهای مشخص جهت تحقق اهداف تعیین شده.
 - دارا بودن قابلیت انعطاف.
 - پیش‌بینی برنامه‌های اقتصادی.
- نظام موجود برنامه‌ریزی، به دلیل فقدان آمار و اطلاعات دقیق و قابل استناد، نداشتن هماهنگی‌های لازم میان دستگاهها، ناکافی بودن سیاستها و مکانیزمهای اجرایی تحقق اهداف، غلط نگاه کردن به مقوله برنامه‌ریزی (استراتژی تنظیم برنامه مبتنی بر سیاست بازار آزاد و عملکرد تنظیم برنامه مبتنی بر نظامهای بسته) و... نمی‌تواند جوابگوی شرایط ویژه کنونی باشد.

آقای دکتر اسدالله رضوی، نماینده کرمان و عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی: برنامه باید هدف مشخصی داشته و

بخشی از آن برنامه، برای دلخوش کردن و نمایش روی کاغذ است.

یکی دیگر از ویژگیهای یک برنامه خوب، شناخت اولویتهای برنامه و توجه لازم به آن اولویتها، در چارچوب امکانات و تواناییهاست با توجه به این که، نیروی انسانی کارآمد، شرط لازم توسعه و قلب پنبنده پیکر توسعه و ترقی است، توجه کافی به بخش آموزش و پرورش، آموزش عالی و تحقیقات و آموزش فنی و حرفه‌ای و تکیه بر خلاقیت انسانها در ابعاد گوناگون، از نقاط قوت یک برنامه مناسب است.

با کمی دقت، درمی‌یابیم که ما در نهایت واردکننده محصولات فکری کشورهای پیشرفته، به صورت کالا و خدمات، با قیمت‌های گزاف هستیم و امروز تعهدات ما بابت عقب‌ماندگی علمی و تکنولوژیکی کشور است، که محور آن انسانهای دانشمند هستند و تا وقتی که بنگاهداران دولتی بدون توجه به عامل مهم نیروی انسانی متفکر و متعهد، به دنبال مسابقه در بازیهای کودکانه‌اند، با صرف ارز و ریال، به جایی نخواهیم رسید. این که اولویت تربیت نیروی انسانی کارآمد و استفاده از نیروهای کاردان تا چه حد رعایت خواهد شد، موضوعی است قابل تأمل و درحاله‌ای از ابهام، که تا چه حد از سوی دولتمردان که برای بخشهای خود، در رقابتند، رعایت خواهد شد. درشرایطی که منابع بسیار محدود است، خوب اندیشیدن به تخصیص

● مهندس یحیوی، رئیس کمیسیون نفت: منطقی نمودن اهداف، تسهیل مشارکت هرچه بیشتر مردم در تحقق برنامه‌ها و استفاده بیشتر از امکانات و ظرفیتهای داخلی از جمله مواردی است که باید در برنامه دوم مورد توجه باشد.

۶۳ درصد رشد طی این پنج سال. قرار می‌شود که نسبت دانشجو به استاد از ۲۱ نفر در سال ۱۳۶۷، به ۱۵ نفر در سال ۱۳۷۲ کاهش یابد، یعنی حدود ۲۹ درصد ارتقای کیفی.

در همین دوره، تعداد استادان از ۹۵۰۰ نفر به ۱۷۳۰۰ نفر افزایش پیدا کند، یعنی ۸۲ درصد افزایش و همچنین در این دوره، ترکیب دانشجویی از نظر سازگاری اصلاح شود. به وضعیت زندگی استادان رسیدگی شود و سیاست ارتقای کیفیت از هر نظر دنبال گردد. بسیار روشن است که آن چه نوشته می‌شود، چون بنا واقعیات همراه نیست، قابل اجرا نیست.

برای این که اعتبارات دولتی جاری بخش، به قیمت‌های جاری از ۹۸۱۷ میلیارد ریال در سال ۶۸، ۴۴ درصد افزایش به قیمت جاری و حدود ۱۴ درصد کاهش به قیمت ثابت دارد.

پس آن افزایشهای کمی و کیفی، با ۱۴ درصد کاهش اعتبارات عملی نیست و

می‌کند، قیمت تعیین شده به وزارت نیرو، ابلاغ شود، حالا اگر وزیر نیرو در مدت معین، توانست میزان برق موردنظر با استاندارد مشخص را تولید و توزیع کند، وزیر موفق است و باید مورد تشویق و حمایت قرار گیرد، اگر نتوانست و دست بنده و دیگری هم برد، باید با اعتقاد به منافع ملی و مصلحت کشور، جایش را به فرد توانمندتری بدهد.

آقای مهندس علی مبینی دهکردی، نماینده شهرکرد و عضو کمیسیون برنامه و بودجه: برنامه‌ای را می‌توانیم مطلوب تلقی کنیم که حیطة فعالیت دولت و دخالت آن را در امور تجارت و تولید محدودتر کند و در جهت گسترش بنیان مالکیت مردم و خصوصی‌سازی و فعالیت بخش خصوصی حرکت کند و اعطای هرگونه امتیاز خاص به شرکتها و انحصارات دولتی و بنیادهای عمومی را بلاى شماره یک جامعه بشناسد. همچنین پایه‌های مدیریت و رقابت خصوصی را استحکام بخشد. بدین ترتیب

● دکستر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی: اکثرأ برای خودمان مقررات دست و پاگیر می‌گذاریم و در نهایت مجبور می‌شویم کاری را که در عرض دو سال با صد تومان تمام می‌شود، در عرض پنج سال با هزار تومان به اتمام برسانیم.

منابع، یک هنر است و منافع ملی ما ایجاب می‌کند که برای رسیدن به آن شرایط، اولوئتهای واقعی را تعیین کنیم. این به همکساری همه بخشها نیاز دارد و باید بسبذیریم که بسیاری از بخشها باید با خویشتن‌داری، منتظر بمانند.

نظام برنامه‌ریزی موجود، اگر به واقعیتها و امکانات موجود توجه نماید و مزاحمتها از طرف کشندگان امکانات و اعتبارات در دولت و مجلس، به سوی بخشها و مناطق دلخواه کم شود و امکان تنظیم و تدوین برنامه بدون فشار و جوسازی، به صاحب‌نظران و آگاهان فن داده شود، شرایط برنامه‌ریزی مناسب برقرار خواهد شد. به اعتقاد من، در برنامه پنج‌ساله دوم مجلس باید قیمت تمام شده محصولات، یا خدمات کلیه دستگاهها را با دقت لازم محاسبه و کمیت و کیفیت و زمان تحویل کالا یا ارائه خدمت را دقیقاً مشخص و تعریف نماید.

زمان مدیریت با هر قیمت و با هر مقدار و هر کیفیت و با هر مدت، خیلی وقت است که سپری شده، وزیران و مدیران قوی و ضعیف، باید در این قالب شناسایی و مورد تشویق یا توبیخ قرار گیرند. مثلاً وزارت نیرو اگر برق تولید و توزیع

فضای کلی جامعه را برای آغاز فعالیتهای اقتصادی مولد و بهینه و مدیریت کارا آماده‌تر سازد.

با استقرار یافتن این شرایط، اهداف در برنامه‌ریزیها، چنگانه تنظیم می‌شوند و اصولاً برنامه‌ای که بتواند بالاترین اثر مثبت را از طریق بازار آزاد، در اقتصاد کشور ایجاد نماید، از جمله بهترین برنامه‌ها خواهد بود. بنابراین، برنامه‌ای «خوب» خواهد بود که:

- بخش‌هایی را که اقتصاد کشور در آنها از مزیت نسبی طبیعی برخوردار است، شناسایی کند و منابع و مواهب ملی را (اعم از خصوصی و دولتی)، به سوی اهدافی هدایت نماید که، ضمن هرچه بیشتر در سیطره فعالیت بخش خصوصی درآوردن آنها، بالاترین رقم را در سطح تولید، اشتغال و درآمد سالیانه مردم ایجاد نماید.

- اندازه‌های مردم را به گونه‌ای بسیج کند که در کاراترین و مولدترین بخشهای تولیدی به کار گرفته شوند و دست کم ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی سالیانه، بر تشکیل سرمایه‌های ملی جدید بیافزاید.

- ارزش حاصل از فروش نفت که سرمایه‌ای ملی و پایان‌پذیر است فقط در تشکیل سرمایه‌های ثابت و مطالعات مربوط به آنها و تهیه پیشرفته‌ترین تکنولوژیها به کار برد و هزینه‌های مصرفی جاری از محل آن را، حتی برای مقاصد دولتی، محدودتر نماید.

- دخالت دولت در امر تولید و تجارت را به حداقل برساند و ضمن تقویت بخش خصوصی و ترمیم اعتبار و اهمیت آن پروژه‌هایی را مورد حمایت اعتباری کوتاه‌مدت خود قرار دهد که بر صادرات کشور می‌افزایند و برخالف دریافت‌های ارزی کشور اضافه می‌کنند و یا این که، جایگزین واردات کنونی می‌گردند.

- از طریق اعمال سیاستهای کنترل جمعیت، نرخ زاد و ولد را در سرتاسر کشور، به ویژه در مناطق روستایی، کاهش دهد و بیکاری را به حداقل رساند و توزیع درآمد را عادلانه‌تر نماید.

- اجرای سریع و دقیق قانون را حاکم نماید و مانع هرج و مرج طلبیها و هرگونه اجحاف و زورگویی و برتری طلبیهای ویژه، از طرف گروهها و نهادهای دولتی و فوق دولتی و رقابت آنها با بخش خصوصی گردد.

اما با توجه به این ویژگیها باید ببینیم شرایط ویژه و کنونی کشور ما کدام است؟ بارزترین پدیده در جامعه کنونی ما این است که، همه چیز در حال تغییر و تحول و گذر است. اقتصاد کشور نیز سریعاً در حال گذر است، از کنترلها و قسمت‌گذارها و سهمیه‌بندیها و سوبسیدها و ایجاد انحصارات دولتی و به طور کلی، دخالتهای دولت در اموری که از ابتداء می‌بایست در حیطه فعالیت مردم قرار می‌داشتند، به آزادی عمل و دستیابی مردم به آن چه که

شرکت و بانک و مؤسسه دولتی، تحت مالکیت و پیوستش دولت و بنیادهای عمومی، به موازات بخش خصوصی در اقتصاد کشور فعالیت دارند و درحالی که مدتها از شرایط ممتاز ارزی و حمایتهای دولت برخوردار بودند، سالیانه میلیاردها تومان به بودجه دولت و اقتصاد کشور، خسارت وارد می‌ساختند. زیان این شرکتها بر بودجه دولت تحمیل می‌گردید و چون هرنوع کمبود بودجه از محل استقراض دولت از بانک مرکزی مرتفع می‌گردید، در واقع منشاء و مبداء تورم، در همین جا قرار داشت. به عبارت ساده‌تر، پیدایش تورم از تأمین کسر بودجه دولت، ناشی از زیان شرکتهای دولتی، توسط بانک مرکزی سرچشمه می‌گرفت.

خصوصی‌سازی و واگذاری شرکتهای دولتی در سال گذشته، تنها شامل ۲۱ واحد تولیدی و عمومی گردید و اگر روند آن بر همین منوال و به‌کندی پیش برود، بالغ بر یکصدسال طول خواهد کشید، تا محیط فعالیت دولت در اقتصاد کشور، محدودتر و معقولتر گردد. با خصوصی‌سازی، کسر بودجه و تورم بهتر کنترل خواهد شد.

حال اینکه آیا نظام موجود برنامه‌ریزی می‌تواند جوابگویی شرایط ویژه کنونی باشد یا خیر، باید بگویم نظام برنامه‌ریزی ارشادی، لازم و مفید است و بودن آن بهتر از نبودن آن است. لیکن به صورت فعلی نمی‌تواند به طور مؤثر راه‌گشای موانع و معضلات کنونی باشد که بر اقتصاد کشور ما سایه افکنده‌اند. همراه با برنامه، نیاز به

در یک اقتصاد سالم، طبیعتاً حق آنهاست. این روندی بسیار مطلوب است، لیکن از طرف دیگر، مشکلات فراوانند. برای مثال، سالهاست سایه یک تورم دو رقمی اهریمنی، بر اقتصاد کشور ما پرتو افکننده است و بدین ترتیب، سالیانه میلیاردها تومان از قدرت خرید طبقات ضعیفتر جامعه به دولت انتقال می‌یابد.

همین طور، اجحاف بعضی از وزارتخانه‌ها و رقابت مخرب شرکتهای دولتی با فعالیتهای مردمی، پایه‌های اعتماد عمومی را نسبت به ایجاد هرگونه تعهدات بلندمدت تولیدی، سست‌تر نموده است. به طوری که اکنون، سوددهی بخش تجارت، به مراتب فزون بر سوددهی بخش صنعت و بخش کشاورزی شده است. سیستم بانکی دولتی نیز، پس‌اندازهای مردم را به سمت بازرگانی و تجارت و کسب سود سریع سوق می‌دهد. به همین مناسبت، تشکیلی سرمایه‌های ثابت ملی سالیانه در حد ۱۰ الی ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی گزارش می‌شوند، که از حد مطلوب بسیار پائین‌تر است. این وضعیت، همراه با نرخ رشد بسیار بالای افزایش جمعیت، سالیانه باعث افت درآمد سرانه مردم گردیده است. از طرف دیگر، هنوز بالغ بر ۲۰۰۰

● آقای اصغر باغانی، رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس: باید از شتاب تعدیل اقتصادی در برنامه دوم کاسته شود.

اکنون در هر برنامه ریزی، سازمان برنامه، ابتدا متغیرهای کلان اقتصادی را، براساس مدل جامعی که تهیه کرده است و شامل منابع درآمد و مصارف کشور می‌گردند، پیش‌بینی می‌نماید. منابع درآمد براساس مفروضاتی درباره آینده قیمت نفت و مقادیر احتمالی تولید و فروش نفت و نیز پیش‌بینی دریافت‌های مالیاتی، تخمین زده می‌شوند و سازمان کار خود را تا این جا به خوبی و با دقت تمام انجام می‌دهد.

مشکل از زمانی آغاز می‌شود و برنامه ریزی از صورت علمی خارج می‌گردد که سازمان، اقلام کلان را بین بخشهای دهگانه دولتی تقسیم و تسهیم می‌نماید. تقسیم‌ساتی که تازه مورد اعتراض دریافت‌کنندگان نیز قرار می‌گیرند.

در تخصیص منابع، معیارهایی چون «مزیت نسبی» و یا کارایی و بهره‌وری پروژه‌ها و یا اعانه آنها به دریافت‌های ارزی و یا جانشینی واردات، ملاک عمل قرار نمی‌گیرند، بلکه براساس نیازها و تجارب به دست آمده در گذشته و پافشاری دریافت‌کنندگان و ارجحیت‌هایی که به بخش‌ها داده می‌شوند، انجام می‌گیرد.

همین طور، اقلام تعیین شده در یک سلسله رفت و برگشت‌های سیزده مرحله‌ای و در موارد متعدد، مورد تغییر و تحول بخشها و زیربخشها و متولیان اجرایی پروژه‌ها و حتی نمایندگان محترم مجلس قرار می‌گیرند، که مایلند به پروژه‌های مورد نظر

اصلاحات اداری و تجدیدنظر در روشهای معمول و زائد دولتی می‌باشد که بازده نهایی آنها، بعضی نزدیک به صفر و گاهی حتی منفی هستند. این اصلاحات باید از عالیترین سطوح آغاز گردد و به پائین‌ترین سطوح اداری رسوخ نماید.

بخشی از ضعف برنامه ریزی از تشکیلات درونی و روشهای معمول کنونی، از سازمان برنامه و بودجه سرچشمه می‌گیرد، سازمانی که در ابتدای پیدایش خود بنا بود بنیان موقتی داشته باشد و خارج از مقررات استخدامی دولتی، با پرداخت بهترین دستمزدها، معجرب‌ترین و بهترین مغزهای اقتصادی را تحت حداقل مقررات اداری معمول، به خود جلب نماید.

سازمان کار خود را آغاز کرد و در پایان دوره برنامه وظایف آن خاتمه می‌یافت. لیکن در سال ۱۳۵۱ اولاً، از حالت موقت و وابسته به برنامه خارج شد و به یک بنیان دولتی دائمی با وظایف خاص مبدل گردید. و ثانیاً، تشکیلات دفتر بودجه نیز در آن ادغام گردید و جمعاً به صورت یک بوروکراسی دولتی دیگر، با کاربرد و انگیزه‌های محدودتری درآمد.

برنامه‌ای و هیچ قانونی، نمی‌تواند بهتر از مجریان آن باشد. ممکن است بهترین و صحیح‌ترین برنامه‌ها را سازمان تهیه کند و مجلس نیز بر مفاد آن صحنه قانونی بگذارد، لکن اگر در عمل خوب پیاده نشود و اجراء نگردد، سازمان برنامه مقصر نیست. بلکه کوتاهی از طرف دستگاههای اجرایی و مدیریت‌هاست، که وظیفه کاربرد صحیح منابع را برعهده دارند، ولی در آن قصور می‌کنند. اگر قره مجریه به پیشنهادات سازمان برنامه، ترتیب اثر ندهد، بهترین برنامه‌ها و سیاستهای تدوین شده، هیچ‌گونه تأثیری بر اقتصاد کشور نخواهند داشت.

و بالاخره این که، معضلات بنیادی در نظام سیستم بانکی و تنظیم و اعطای اعتبارات و قوانین حاکم بر روابط کارفرما و کارگران و سیاستهای پولی و مالی و ثبتی و دادرسی و قضایی و به طور کلی، فضای حاکم بر حرکت هرگونه سرمایه‌گذاری تولیدی جدید و حتی دیدگاههای سنتی نسبت به زاد و ولد و آموزش و پرورش و تحصیلات علمی و فنی، همه و همه، - اگرچه بعضی به طور غیرمستقیم - در موفقیت و یا شکست یک برنامه دخیل هستند و عمده مقاومت نسبت به برنامه‌ریزی و اجرای سیاستهای جدید

آنها، اعتبارات لازم پرداخت گردد. بنابراین، آن چه که نهایتاً به صورت ماده واحده، به تأیید و تصویب مجلس می‌رسد، با آن چه که درابتداء توسط سازمان برنامه تهیه شده بود، تفاوت فاحش دارد.

لکن بخش عمده از ضعف برنامه‌ریزی به صورت فعلی، منشاء برون سازمانی دارد. در تجزیه و تحلیل نهایی، هدف از اجرای هر برنامه، کاربرد دقیق منابع تخصیص یافته در محدوده زمانی تعیین شده و دستیابی پروژه‌ها، به اهداف از قبل تعیین شده آنهاست. سازمان برنامه زمانی بر کیفیت انجام پروژه‌ها و پیشرفت کارها نظارت ممتد داشت، ولی در سالهای اخیر، نظارت فنی سازمان برنامه از میان رفته است و متولیان مربوطه، خود گزارشگر کیفیتها و پیشرفت کارها و نتایج حاصله هستند. فعال نمودن اهم نظارت فنی، که طبق قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱، از جمله مسئولیتهای سازمان برنامه است، می‌تواند تا حدودی ابتکار عمل را دو مرتبه به سازمان رجعت دهد.

● مهندس الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات: نظام موجود برنامه‌ریزی از هماهنگی لازم برخوردار نیست.

از طرف دیگر، برنامه‌ریزی ارشادی، به لحاظ ماهیت پیشنهادی و تذکری نسبتاً ملایمی که دارد، دستیابی به اهداف عمومی برنامه را تضمین نمی‌نماید. چراکه، هیچ

مجلس و برنامه دوازدهم

زمانی که هدف کاملاً مشخص شده، باید تمام امکانات بالقوه را برای تحقق آن به کار بگیریم. باری به هرجهت برخورد کردن، در نهایت مانع انجام و پیشرفت کار خواهد شد.

در به کارگیری امکانات بالقوه باید به تمام ابعاد قضیه نگاه کنیم و آن چه که در درون کشور و در خارج کشور وجود دارد، به کار بگیریم.

مسئله سوم: مسأله زمان بندی است. به این معنا که، برنامه بدون تعیین زمان مطلوب و بهینه، معنا ندارد. اگر قرار باشد، یک برنامه‌ای الی ماشاءالله به طول بیانجامد، پس قطعاً از اهدافش دور می‌شود.

مسئله بعدی، مدیریت اجرای برنامه است. یعنی وقتی می‌خواهیم برنامه‌ای را در نظر بگیریم، عنایت به مدیریتی که این برنامه را می‌خواهد محقق بکند، بسیار معنی دار است و بدون توجه به توان مدیریت، دچار مشکل خواهیم شد.

دیگر ویژگی یک برنامه خوب، نظام‌های عملیاتی اجرای برنامه است. باید در تعیین سیستم‌های عملیاتی که این امکانات را به کار خواهد گرفت دقت لازم بشود.

آقای مهندس غلامرضا آقازاده، وزیر نفت: برنامه‌ریزی را اگر سنجش شرایط و وضعیت کمی و کیفی حال و آتی برای

از طرف این پدیده‌ها، سرچشمه می‌گیرند و اگر بنا بر این باشد که از برنامه دوم نتایج بهتری حاصل شود، شایسته است با ارشاد و آموزش در تفکر و نگرش مردم و مجریان دولتی، انعطافها و آمادگی‌های لازم ایجاد گردند.

آقای سلیمان میمندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

ابتدا باید اهداف نهایی و غایی از تهیه و اجرای هر برنامه‌ای را دقیقاً تعریف و مشخص نمود. با عنایت به این که نظام اسلامی ما، مشروعیت خود را از ولی محترم فقیه دارا می‌باشد و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری و ولی محترم فقیه به مناسبت‌های مختلف، بر اجرای عدالت اجتماعی تأکید فرمودند، در شرایط حساس کنونی، نظام موجود برنامه‌ریزی نمی‌تواند به طور مطلوب، منادی اجرای عدالت اجتماعی باشد.

آقای ابوالفتح نیک‌نام، نماینده تنکابن و رامسر و عضو کمیسیون صنایع و معادن:

یک برنامه خوب، ویژگی‌های زیادی دارد. یکی این که هدفش کاملاً مشخص و قابل تحقق باشد. دوم این که تعیین هدف به ما کمک می‌کند که ببینیم چه امکاناتی برای رسیدن به این هدف داریم. اگر هدفی بی‌عنایت به امکانات بالقوه تعیین بشود، قطعاً زمینه اجرایی‌اش تحقق پیدا نمی‌کند.

غیر ضروری.

- استقرار نظام اطلاعات منسجم و مرتبط با فعالیتهای ارکان برنامه به منظور تعیین، تأمین و تبدل اطلاعات سازنده.

- برنامه‌ریزی آموزشی براساس برآورد نیازهای زمانبندی شده.

- اعمال نظارت و کنترل بر اجرای طرحها و برنامه‌ها.

- ارزیابی و ارزشیابی نتایج حاصل از اجرا و انجام هماهنگ طرحها و برنامه‌ها.

آقای دکتر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی:

اولین اصل حاکم بر یک برنامه خوب، داشتن برنامه‌ای است که از مبانی آماری و

اطلاعاتی مشخصی برخوردار بوده و بر مبنای اطلاعات قابل قبولی استوار باشد

که بر آن مینا بتوان از امکانات موجود کشور، استفاده بهینه برد. و پس از اینکه اطمینان

کامل حاصل شد که امکانات، کارایی لازم را دارند، کمبود آن را بر طرف ساخت. اصول

برنامه باید طوری باشد که فشار بخش دولتی برای توسعه و بهبود به تدریج کمتر

شود و از امکانات بخش غیردولتی - چه بخش خصوصی و چه بخش عمومی

غیردولتی - استفاده بهینه کرد. برنامه‌ها و امکانات باید متمرکز باشد تا سرعت و

پیشرفت در فعالیتهای حاصل شود. چه بسا پروژه‌هایی که در کشور شروع می‌شوند اما

به علت اینکه امکانات کشور تکافوی اتمام آن را در زمان معینی نمی‌دهد، به تدریج

اصل توجیه اقتصادی خود را در مرور زمان از دست می‌دهند. برنامه باید طوری تدوین

دستیابی به اهداف مورد نظر بدانیم، اصول، مبانی و ویژگیهای بارز آن عبارت خواهند بود از:

- تعیین محور یا محورهای توسعه و تدوین اهداف، سیاستها و خط‌مشی‌های

واقع‌بینانه و قابل دسترس برنامه در چارچوب اهداف بلندمدت (۲۰ ساله) که باتوجه به مزیت‌های کشور تدوین شده باشد.

- شناخت نظام نوین فعالیتهای در طرح و تفکر نظامهای وابسته به تحقیقات در عملیات.

- شناخت روشهای عملیاتی، تدوین و تصحیح آنها مقدم بر سازماندهی.

- ارزیابی و ارزشیابی منابع مالی، مواد، ماشین‌آلات و نیروی انسانی.

- دستیابی به استانداردهای عملی - عملیاتی قبل از تخصیص نیروی انسانی.

- مشخص‌سازی مسئولیتهای و محدوده پاسخگوئی.

- اتخاذ مشی تمرکز زدائی با تفویض اختیارات.

- سازماندهی افقی با کاهش سطوح نظارتی و جایگزین نمودن معیارها و مکانیزمهای

کنترلی.

- حجم سنجی و حذف فعالیتهای و خدمات

مجلس شورای عالی

و مشکلات مربوط به بوروکراسی، به تدریج توسط شورای عالی اداری در حال حذف شدن است. این کار باید از اول برنامه صورت می‌گرفت. اگر شورای عالی اداری که در آخر برنامه فعال شده قبل از شروع برنامه این کار را می‌کرد بهتر بود. یک مقدار هم باید در قوانین موجود تجدیدنظر کرد.

آقای مهندس مرتضی الویری معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

- عملی بودن و انطباق داشتن با واقعیتها
 - متأثر بودن از عملکرد
 - هدف مشخص داشتن
- از جمله اصولی است که باید بر برنامه حاکم باشد.
- نظام موجود از هماهنگی کافی برخوردار نیست و اصول فوق هم بطور کامل دنبال نگردیده است.

بشود که وقتی یکی از بخشها در انجام وظیفه خود با مشکل مواجه شد بقیه بخشها معطل آن نمانند. در برنامه اول این مشکل وجود داشت. تمرکز برنامه‌ریزی در برنامه اول طوری بود که اگر یک واحد نمی‌توانست وظیفه خودش را انجام بدهد، بقیه واحدها می‌ماندند. به عنوان مثال در تربیت نیروی انسانی فرضاً اگر وزارت علوم موظف بود همه نیروهای انسانی را تربیت بکند و در وظیفه خود مشکل داشت، همه دستگاهها از انجام وظیفه خود باز می‌ماندند، تمرکز خوب است، ولی امور اجرایی نباید متمرکز باشد. تمرکز در سیاستگذاری خوب است. باید سیاستها مشخص باشد تا واحدها بتوانند از امکانات خودشان برای پیشبرد کارهایشان استفاده بکنند. این مشکل در برنامه اول دیده می‌شد که در بعضی مواقع تمرکز بیش از حد وجود داشت و در بعضی مواقع پراکندگی موجود بود.

در حال حاضر یک سری مسائل

سؤال دوم - چه شیوه‌هایی را می‌توان انتخاب نمود که از نخستین تجربه پربار برنامه در جمهوری اسلامی ایران در برنامه دوم، حداکثر بهره‌برداری صورت پذیرد؟

که الان به آخرین ماههایش رسیده‌ایم، این تجربه را پیدا کردیم که کارهای کشور را براساس برنامه مدون پیش‌بینی شده، انجام

آقای علی‌اصغر باغانی، رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس:
با تدوین برنامه ۵ ساله اول و اجرای آن

ایجاد نظام صحیح آمار و اطلاعات و ارزیابی عملکرد دستگاهها و بخشها در مقاطع شش ماهه، تابع نمودن اهداف بخشها از اهداف کلی نظام، از نکات قابل توجهی است که می‌تواند در موفقیت کامل برنامه دوم مؤثر باشد.

بدهیم. از این جهت تجربه پریشاری پیدا کردیم. اما حالا این برنامه آیا در همه ابعاد موفق بود و هیچ تبعات منفی نداشت؟ باید از تجربه‌ای که در برنامه اول پیدا کردیم، استفاده ببریم. اما باید در برنامه‌ریزی پنج ساله دوم از نقاط منفی جلوگیری بکنیم. یعنی طوری برنامه را بریزند که تبعات سوء اجتماعی نداشته باشد و فشار بیش از حد بر دوش مردم، تحمیل نکند. تا مردم بتوانند از حداقل زندگی برخوردار باشند و بدون نگرانی و مشکل زایدالوصف بتوانند به زندگی‌شان ادامه بدهند و انقلاب را پیش ببرند.

آقای مهندس سید محسن یحیوی، رئیس کمیسیون نفت:

منطقی‌تر نمودن اهداف، استفاده هرچه بیشتر از نیروی متخصص، تسهیل دخالت و مشارکت هرچه بیشتر مردم در اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف، توجه عمیق‌تر و دقیق‌تر به روند تحولات سیاسی، اقتصادی و صنعتی جهان، پیش‌بینی سیاستهای اجرایی، به منظور استفاده هرچه بیشتر از ظرفیتهای و امکانات داخلی و درعین حال فراهم کردن محیط رقابت هرچه بیشتر با تولیدات خارجی.

آقای سیدرضا تقوی، رئیس کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی:

عمده موارد مطروحه، مبانی، چارچوبها، گزارشات و به طور کلی مستندات تنظیم و تقدیم لایحه برنامه دوم است که موقع طرح در کمیسیون مربوطه، قاعدتاً از طریق دولت و کارشناسان امر، قابل ارائه به مجلس می‌باشد.

آقای دکتر اسدالله رضوی، نماینده کرمان و عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی:

نقاط ضعف و قوت برنامه را باید واقع‌بینانه پیدا کرد و از آنها در برنامه دوم استفاده کرد.

آقای مهندس رضا عبداللهی، نماینده ماه‌نشان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

در باب این که چه شیوه‌هایی را می‌توان انتخاب نمود که از نخستین تجربه پریشار برنامه در جمهوری اسلامی ایران، در برنامه دوم، حداکثر بهره‌برداری صورت پذیرد،

آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها:

آقای مهندس علی مبینی دهکردی، نماینده شهرکرد و عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

برحسب آمار موجود، برنامه اول در دستیابی به اهداف خود، در بعضی موارد موفق بود و در بعضی موارد از اهداف پیش‌بینی شده، عقب‌تر بود. ولی آیا آمار و ارقام ارائه شده قابل اعتماد هستند؟ آیا پروژه‌ها با کسری بودجه مواجه نمی‌شوند؟ اگر نتایج به دست آمده، توسط خود مجریان پروژه‌ها گزارش گردند، آیا آنها انگیزه‌ای برای انعکاس کاستیها و گزارش نواقص بدان‌گونه که هست، خواهند داشت؟

آن چه مسلم است، مجریان برنامه، تحت یک تمایل غسریزی طبیعی، دستاوردها را بزرگتر از واقع جلوه خواهند داد و نواقص را کوچکتر. تا هنگامی که یک گروه تحقیقاتی مستقل و بی‌طرف از بخش خصوصی، جهت بررسیهای بدون غرض و طمع و عاری از گرایشهای خطی و حزبی، مورد استفاده قرار نگیرد، نتیجه بر همین منوال خواهد بود. به همین مناسبت، درباره عملکردهای دقیق برنامه اول و نتایج حاصله، نمی‌توانیم بی‌طرف به قضاوت بنشینیم.

از آن چه آموخته‌ایم، یکی این که، حتی در چارچوب آمار فعلی، دلائل موفقیت و یا عدم موفقیت هر بخش و یا هر پروژه، به بررسی و ریشه‌یابی نیازمند است. باید چون‌ها و چراها را به دست آوریم، نقاط قوت و ضعف را شناسایی کنیم و موانعی

● مهندس عبداللہی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه: تدوین یک برنامه واقعی و در نظر گرفتن سرعت رشد، با استراتژی امنیت ملی و تنظیم روابط خارجی، رابطه مستقیم دارد.

باید روی تجربه پربار بحث کرد. باید یک مروری بر تدوین برنامه اول تا اجرای آن داشته باشیم. اگر این دو انجام نگیرد، معلوم نیست که از کدام تجربه برای برنامه دوم استفاده شود و به نظر من، این تجزیه و تحلیل، حداقل در مجلس و در کمیسیونهای تخصصی و هم چنین کمیسیون برنامه و بودجه، به خوبی انجام نگرفته و نقاط قوت و ضعف برنامه اول و مراحل اجرایی آن، تاکنون مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار نگرفته، بنابراین سخن گفتن از درون جعبه‌ای که باز نشده، کار درستی نیست.

به اعتقاد من، ترکیبی از نیروهای توانمند و مؤمن بدون حب و بغض، باید در عرض مدت مثلاً دو ماه با کار مداوم و به شرط همکاری و اطلاع‌دهی همه وزارتخانه‌ها و سازمانها، به آن چه که در برنامه اول مقرر بوده انجام شود، پردازند و در آستانه پایان برنامه، نگاهی دقیق به پنج سال گذشته داشته باشند، تا از نتایج آن برای برنامه دوم بهره‌برداری شود.

آقای ابوالفتح نیکنام، نمایندهٔ تنکابن و رامسر و عضو کمیسیون صنایع و معادن: برنامه اول به خاطر این که در تدوین آن به همه ویژگیهای یک برنامه خوب عنایت نشده بود، با موفقیت قرین نبود. غالباً حرکت برنامه‌ای قطع و وصل می‌شد و این امر، بسیار به اجرای برنامه لطمه می‌زند. آن چه که توان داشتیم یا شناسایی نشده بود و یا به کار گرفته نشده بود. به توان بالا و بالقوه مردم و توان بالقوه مؤسسات و سازمانهای اجرایی مملکت عنایت لازم نشده بود.

مسأله دیگر زمان بود به طوری که اگر برنامه‌ای می‌بایست در عرض دو سال انجام می‌شد، به راحتی سه سال یا چهار سال طول کشید. از طرفی سیستمهای عملیاتی اجرای برنامه، سیستمهای قابل اتکایی یا اصلاً سیستمی نداشتیم یا اگر داشتیم، بسیار ابتدایی، نامطلوب و نامشخص بود و مدیریتهای برای اجرای برنامه‌هایشان سیستمهای عملیاتی منسجم از پیش تعیین شده مشخص و مصوبی را ارائه ندادند. خیلی از موارد شانسی اتفاق افتاد، و در طول برنامه به یک چیزهایی رسیدند و تصمیم دارند آن را کامل بکنند.

که سد راه انجام هر چه بهتر پروژه‌ها شده‌اند را از میان برداریم. مجریان قوی باید تشویق شوند و آنهایی که غیرمسئولانه عمل می‌کنند و اصلاح ناپذیرند، از کار برکنار شوند. و بالاخره آموختیم که در فقدان ایجاد فضای مساعدتر برای آغاز و گسترش هر چه بیشتر فعالیتهای مردم، مجلس نیز بی‌تقصیر نیست. هنگامی که در ماده قانونی انجام کاری را مشروط به کسب موافقت وزیری و یا وزارتخانه‌ای قرار می‌دهیم، به راحتی ابتکار عمل و استقلال مدیریت را از مردم سلب می‌کنیم و به یک بوروکراسی عظیم و گران بار می‌سپاریم. درحالی که با حذف آن می‌توانیم هزینه‌ها را به حداقل برسانیم و بر سرعت تولید بیافزاییم. باید قاطعیت به خرج داده، به مردم اعتماد کنیم و کار آنها را تا حد امکان به خود مردم واگذار نماییم.

آقای سلیمان میمندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

بدیهی است، بررسی دقیق و نقد عملکرد برنامه اول توسعه و تجزیه و تحلیل پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن و رفع نقاط ضعف، می‌تواند رهگشا و راهنمای خوبی برای تهیه برنامه دوم توسعه باشد.

● آقای غلامرضا آقا زاده، وزیر نفت: تعیین محور یا محورهای توسعه و تدوین اهداف و خط‌مشی‌های واقع‌بینانه در چارچوب اهداف ۲۰ ساله از جمله ویژگیهای لازم برای برنامه است.

اهداف خرد وکلان در ابعاد اقتصادی، انسانی، اعتباری، تدارکاتی، تجهیزاتی و زمانبندی.

- به کارگیری سرمایه، نیروی انسانی، مواد، ماشین آلات و بالمآل دستیابی به اهداف با حداقل زمان و هزینه.

- بهره‌مندی بهینه از دستاوردهای سازنده مراحل اجرایی برنامه اول در تبیین اهداف اصولی برنامه دوم.

- رفع تنگناهای اجرایی و حذف فعالیتهای غیر ضرور.

آقای دکتر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی:

اول باید اشکالات اساسی برنامه اول را بررسی بکنیم تا بتوانیم در برنامه دوم آنها را اصلاح بکنیم. برنامه اول، پس از انقلاب اولین برنامه‌ای بود که اجرا شد و خوشبختانه کم و بیش موفق هم، اجرا شد. اما در مجموعه بخشها، اشکالات زیادی داشت. باید تجربیات خوب برنامه اول را از تجربیات ناموفق آن جدا کنیم. آن وقت بر مبنای تجربیات موفق و اصلاح روشها بتوانیم برنامه دوم را از نظر اجرایی اصلاح کنیم.

به عنوان مثال باید بگویم ما در خوزستان دو پروژه کاری یکسان انجام می‌دهیم. یکی احداث کشت و صنعت «میان آب» است برای کشت ۵ هزار هکتار نیشکرو یکی هم پروژه توسعه نیشکراست در سطح ۸۴ هزار هکتار که از نظر وسعت چیزی

مسأله بعد، اینکه اگر برنامه‌ای را که ما تنظیم می‌کنیم و برایش هزینه‌هایی را در نظر می‌گیریم. افزایش یا کاهش این هزینه‌ها در نظام برنامه‌ریزی، حداکثر تا ۱۰ درصد معنی‌دار است ولی گاه دیده می‌شود که پروژه‌ای ۱۰٪ بیشتر از برنامه هزینه داشته یا دارد. نمی‌دانم اسم آن را می‌شود گفت برنامه موفق یا نه؟ من می‌توانم به جرأت این را بیان کنم که غالب قریب به اتفاق برنامه‌های اجرا شده، با هزینه‌ای بیش از آن حد قابل قبول، اتفاق افتاده که خود این، یکی از نقاط ضعف قضیه است.

آقای غلامرضا آقازاده، وزیر نفت:

ارزیابی و ارزشیابی فرآیند طرح مشتمل بر طراحی، سازماندهی، اجرا، نظارت و اعمال تعدیلهای و اصلاحات لازم، ضرورت تجزیه و تحلیل منطقی عملکرد را در طی دوران برنامه اول اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تعمق در تحلیل شیوه‌های عملکردی علاوه بر اصلاح مبانی تفکری و تعیین اهداف مقبول، مسیر روشهای اجرایی مناسب خواهد بود که منطبق بر امکانات و استعدادهای بالفعل و بالقوه امکان بروز می‌یابد. در این خصوص توجه به عوامل ذیل و تمهید امکان تحقق آن ضروری است:

- شناخت محدودیتها و مقدرات در زمینه‌های مالی، اعتباری، عملیاتی، انسانی و تدارکاتی.

- ارزیابی عملکرد ارکان برنامه در تحقق

همه دزد هستند، مگر آنهایی که سالم‌اند. باید قوانین ما براین مبنا باشد که همه سالم کار می‌کنند و آن وقت با کسی که دزد است به شدت برخورد بشود.

اکثراً، می‌خواهیم در احراز آن طرف وارد بشویم و برای خودمان قوانین و مقررات دست و پاگیر می‌گذاریم و در پایان کاری که در دو سال با صد تومان تمام می‌شود را در ۵ سال با هزار تومان تمام می‌کنیم. حال ببینید که ما چه مقدار در اثر نبود نفع تولید درفاصله زمانی بین ۲ تا ۵ سال ضرر کرده‌ایم. و هم قیمت تمام شده‌مان چقدر افزایش پیدا کرده است. مسأله دیگر وجود سازماندهی و تشکیلات مناسب دولت در برنامه است که بالاخره مشخص شود کدام تشکیلات در جریان موازی بودن امور، کار را از دست می‌دهد و کدام سازمان کار موازی انجام می‌دهد، کدام تشکیلات دولتی زائد است و باید حذف بشود و همینطور با سازماندهی و تشکیلات مناسب مشخص می‌شود که دولت می‌خواهد چکار بکند و از بخش غیردولتی چه انتظاری دارد و بالطبع انگیزه‌های لازم را برای بخش غیردولتی بوجود می‌آورد. در برنامه اول، استقبال بخش خصوصی خیلی جالب نبود یا حداقل در بخش کشاورزی اینطور نبود.

درست است که بخش خصوصی کم و بیش برای کار کشاورزی مراجعه می‌کرد ولی به دلایل زیادی، آن استقبال که موردنظر بود، مشاهده نشد. یکی عدم سودآوری بخش در مقایسه با سایر بخشها

حدود ۱۷ برابر پروژه اول است. در اولی یک روش اجرایی مشخصی وجود دارد که تابع سازمان برنامه و بودجه است و از سال ۶۳ شروع شده، کار اجرایی آن از سال ۶۵ شروع شده و اگر با همین روند موجود ادامه پیدا کند، شاید در سال ۱۳۸۰ به بهره‌برداری برسد. اجرای این پروژه با استفاده از امکانات دولتی صورت می‌گیرد. اما از حالا مطمئن هستیم که پروژه ۸۵ هزار هکتاری، که با روشهای اجرایی جدید و خسارج از بوروکراسی موجود دولت اجرا می‌شود، مطمئناً در سال ۷۷ به بهره‌برداری می‌رسد، درحالی که کارهای اجرایی آن از سال گذشته شروع شده است. این دو مورد مقایسه خیلی خوبی است چون هر دو در خوزستان است و هر دو یک کار را انجام می‌دهند. روشها و شیوه‌های اجرایی برنامه را می‌توانیم در این جا مقایسه بکنیم و ببینیم اشکالات کار دولتی کجا است؟ حتی شرکت‌های دولتی که یک مقدار ضوابط آن فرق می‌کند و از بودجه دولت هم استفاده نمی‌کند نیز در امور اجرایی مشکل دارند. با این مقایسه‌ها می‌شود مشخص کرد که اشکال کار برمی‌گردد به قوانین و مقررات لازم برای تسهیل در اجرای کارها. نباید قوانین را براین مبنا تدوین کرد که

کنند، اخراج می‌شوند و سیستم تأمین اجتماعی وجود ندارد به عنوان حکومت مجاز نیستید که اجازه دهید با چنین فردی مثل حیوان برخورد شود. اگر سیستم تأمین اجتماعی دولتی باشد، می‌شود سیستم دولت را احیاء کرد و کارآیی آن را بالا برد ولی اگر تأمین اجتماعی برای عموم مردم نباشد سیستم دولتی هم قابل اصلاح نیست و نتیجه آن می‌شود که دولت در آینده روزبه روز بدنه‌اش بزرگتر و مغزش کوچکتر شود. آدمهای متفکر در بخش دولتی روز به روز کمتر بشوند و درعوض آنهایی که سربار هستند افزایش پیدا کنند.

به نظر من تا زمانی که روزمزدی را تبدیل به کار فردی نکنیم، بقیه چیزها فرع قضیه هستند. اصل قضیه این است که باید امور اداری و استخدامی ما برنامه‌ای ارائه بدهد تا بر آن مبنا افرادی که کار می‌کنند به حق خودشان برسند و افرادی هم که نمی‌توانند کار کنند یا نمی‌خواهند کار کنند با یک حداقل معاشی زندگی خودشان را از طریق تأمین اجتماعی و سیستمهای دیگر بچرخانند. الان بین کسی که کار می‌کند و کسی که کار نمی‌کند فرق جدی و اساسی وجود ندارد.

برنامه دوم وقتی موفق خواهد شد که این مشکل برطرف شود. چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی. با قوانینی که اکنون تصویب شده و وجود دارد الان بخش خصوصی شاید وضعش بدتر از

بود. مسأله دیگر اینکه هنوز اطمینان لازم حاصل نشده است که کسی که سرمایه‌ای را روی زمین خرج می‌کند، بعد هم صاحب سرمایه باشد. در مراجعات همیشه این واهمه هست که بعد از سرمایه‌گذاری و فرضاً دو سال بهره‌وری، فردا چه پیش خواهد آمد. قانون، امروز می‌گوید که از شما حمایت می‌کند ولی فردا معلوم نیست که این قانون با تغییر مجلس چه وضعی به خود بگیرد. یعنی بخش خصوصی یک تضمین درازمدت در اختیار ندارد. منظورم آن بخش خصوصی است که از راه مشروع سرمایه‌گذاری می‌کند و ثروتش را از راه مشروع به دست آورده است.

مسأله دیگر اینکه ما باید در نظام استخدامی دولتی یک مقدار تجدیدنظر بکنیم. یعنی واقعاً روزمزدی را با یک برنامه‌ریزی ۵ ساله حذف کنیم و کارمزدی را جای آن قرار دهیم. لازمه این کار وجود یک سیستم قوی تأمین اجتماعی است که باید به وجود بیاید. آدمهایی که وبال سیستم دولتی هستند باید خارج بشوند، افرادی هستند که هیچ‌گونه کارآیی ندارند ولی چون استخدام رسمی هستند و به سن بازنشستگی هم نرسیده‌اند سیستم دولتی مجبور است آنها را تحمل کند. دلایل آن هم خیلی زیاد است. یکی اینکه قانون اجازه نمی‌دهد خیلی از اینها کنار گذاشته شوند، هم‌اینکه وقتی آنها به دلیل اینکه کارآیی ندارند یا کار بلد نیستند و یا نمی‌خواهند کار

قانون کار مشکل دارند حالا ممکن است که مشکل از خود قانون باشد یا از عدم توجه درست قانون. آنها که نویسنده قانون کار هستند می‌گویند اینها قانون را نمی‌فهمند. آنها تکیه قانون را اجرا می‌کنند و مجبورند اجرا بکنند می‌گویند اشکال از قانون است.

البته بیش از ۹۵ درصد از تولیدکنندگان نگران قانون کار هستند و معتقدند که حق و حقوق کارفرما به درستی در آن قانون ملحوظ نشده است. وقتی با برادران وزارت کار صحبت می‌کنیم آنها می‌گویند اینها بیهوده نگران هستند. ولی آنها شاید طرف کارگر را می‌گیرند. این قانون برای کارگران، قانون بسیار متروقی است ولی اینکه این قانون می‌تواند عامل و وسیله خوبی برای توسعه و اشتغال باشد و درآینده عامل ایجاد کار بشود، جای سؤال دارد.

مهندس مرتضی الویری معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

- ارزیابی کارشناسی و به دور از مسائل سیاسی از نقاط ضعف و قوت برنامه اول توسط متخصصین باتجربه، بمنظور جبران خطاها و دنبال نمودن توسعه در نقاط و قوت از ضروریات است و باید در تکرار ارزیابی‌های کلیشه‌ای گذشته هم پرهیز نمود.

دولتی شده باشد. در این ضوابط و قوانین هم باید تجدیدنظر بشود کسی که نمی‌خواهد کار کند نباید حقوق بگیرد. با برچود آوردن تأمین اجتماعی مناسب و حذف قوانین این چنینی که مفهوم ندارد، می‌توان این مشکل را حل کرد. جالب این است که در کشور ما قوانینی که برای حمایت از آنها که از کار ترمرد می‌کنند یا کار نمی‌کنند وجود دارد، به مراتب قوی‌تر از قوانینی است که کسانی را که می‌خواهند کار بکنند مورد تشویق و حمایت قرار دهد. این مشکل برنامه است که انشاءالله در برنامه دوم امیدوارم به این مسائل توجه بشود. اینها کارهایی است که باید از حالا برای برنامه سوم شروع کنیم. دستگاههای ذیربط، امور اداری و استخدامی و برنامه و بودجه باید زمینه را برای یک تحول واقعی در توسعه آماده بکنند. والا با ضوابط موجود آن توسعه‌ای که مدنظر است امکان‌پذیر نخواهد بود.

اکنون خیلی از واحدهای تولیدی با

سؤال سوم - برنامه نیازمند مدل موفق برای ارائه تصویر صحیح از روند حرکت است. در فرصت باقیمانده باتوجه به ضعفهای تئوریک برای تدارک مدل‌های موفق در کلان و در بخشها، به نظر شما، چه اندازه می‌توان از تدارک یک برنامه مطلوب مطمئن بود؟

هنگام اجرا هم بدون توجه به این که، تبعات اجرای برنامه دامن مردم را می‌گیرد، یک جوری پیش‌بینی بکنند که مثلاً از مردم مالیات سنگین بگیرد، بهای خدماتی که در اختیار دولت هست گران بکنند. بهای حمل و نقل را بالا ببرند. بهای خدمات درمانی را بالا ببرند، همه ابعاد زندگی را گران بکنند، تا آن برنامه‌ای را که دارند، اجرا بشود، چه بسا کمر مردم در هنگام اجرای چنین برنامه‌ای خم بشود.

آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها:

از آن جا که ابزار لازم برای طراحی یک مدل موفق به صورت کامل، در دست نیست و در فرصت باقیمانده، دستیابی به آن چه مورد نیاز است، مثلاً ارزیابی صحیح و دقیق عملکردها و میزان تحقق اهداف برنامه، امکان‌پذیر نیست، زیرا همان‌گونه که در یکی از تبصره‌های برنامه آمده، این ارزیابی می‌بایست هر ۶ ماه انجام گیرد که متأسفانه به آن عمل نشد.

آقای دکتر محمد هادی عبد خدایی، رئیس کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی:

تا آنجا که به اسلام باز می‌گردد، ما به هیچ وجه ضعف تئوریک نداشته و نداریم، بلکه قسمتی مربوط به عدم آگاهی برنامه ریزان و یا مجریان است و قسمتی هم در ارتباط با کمبود توان و قدرت آنان می‌باشد.

● آقای باغانی، رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی: برنامه باید طوری طراحی و اجرا شود که تبعات سوء اجتماعی نداشته باشد و بیش از حد به مردم فشار وارد نسازد.

آقای علی اصغر باغانی، رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس:

برنامه خوب و مطلوب دو شرط دارد. یک شرطش این است که منابع مالی خوب و بودجه هم خوب باشد، تا برنامه طبق دلخواه پیش برود. برنامه، وقتی موفق است که بودجه هم به قدر لازم موجود باشد و الا برنامه عقیم می‌شود. خوب، مدل موفق این است که واقعاً برنامه‌ریزان آن مقداری که فکر می‌کنند توان مالی موجود است باید آن‌گونه برنامه بریزند. گرچه در برنامه‌ریزی، برنامه‌ریز به بودجه‌اش کار ندارد، و صرفاً برنامه را ترسیم می‌کند. البته انسان اگر برنامه‌های آرمانی و ایده‌آلی را بدون ملحوظ کردن توان مالی و بودجه کافی، ترسیم بکند، عیب ندارد، اما چه بسا در حد یک آرمان و در حد یک ایده، باقی بماند. اما اگر بخواهند برنامه‌ای را ترسیم بکنند که در مقام عمل هم اجرا بشود آن چه را که ترسیم کرده قطعاً بودجه کافی هم برای آن در نظر بگیرد. باید در اجرای برنامه به تبعات منفی هم توجه داشت. از باب مثال اگر این جهت را برنامه‌ریز در نظر نگیرد، بعد در



کلیه ابعاد شکوفا می‌شد و از رشد فزاینده‌ای برخوردار می‌گردید و یا اگر یغماگران امپریالیستی هر روز توطئه‌ای برای نفت و بهای آن نمی‌کردند ما می‌توانستیم برنامه‌های خود را با دست باز و موفقیت کامل پیاده کنیم، این توطئه متأسفانه هنوز هم به شدت ادامه دارد و از اینرو مشکلاتی را هم ایجاد می‌کند.

آقای مهندس سید محسن یحییوی، رئیس کمیسیون نفت:

مدلهای اقتصادی جهت تنظیم برنامه، به دولت اجازه می‌دهد تا جزیی‌ترین عوامل برنامه دقیق خود را مطرح و تنظیم نماید. تصور می‌شود در حد کلان به منظور تنظیم نرخ رشد اقتصادی در برنامه دوم، با مشکل و تنگنای اساسی در زمینه اطلاعات موردنیاز، مواجه نباشیم، اما این کار در حد بخشی، با توجه به تکیه به نظام بازار، ضرورتی نخواهد داشت.

باید توجه داشت که ضمن تعریف اهداف، تنظیم استراتژی و سیاستها، اولویتهای توسعه نیز، از نظر نظام دقیقاً تعیین و در قالب سیاستها، به صورت خطوط هدایت‌کننده سرمایه‌گذاران و

● آقای جلالی، رئیس کمیسیون کشاورزی: ایجاد نظام صحیح آمار و اطلاعات و ارزیابی مرتب از عملکرد دستگاهها، می‌تواند در موفقیت کامل برنامه دوم مؤثر باشد.

مسیری در آرزو

از آنجا که معمولاً انسان قصورها و تقصیرها را خودش گردن نمی‌گیرد، معمولاً می‌خواهد ضعف‌ها را در جنای دیگری مشاهده کند و تقصیرها را به پای او اندازد. مشکل بزرگ تر آن است که برخی به علت عدم آگاهی و کمبود توان و قدرت اجرایی به فکر توجیه مکتب و تئوری‌های او می‌افتند.

اینجانب در طول سه دوره‌ای که نماینده مجلس شورای اسلامی بودم هیچگاه به ضعف و یا مشکل تئوریک برخورد نکردم بلکه قوانین اسلام و فقه بالنده شیعه را بهترین راه گشا برای امور کشور می‌دانسم. البته نیاز فراوانی وجود دارد که فقهای عالیقدر و ارزشمند ما به مسائل و حوادث واقعه بیشتر بپردازند تا با اجتهاد افتخارآمیز خویش راه حلی برای رفع مشکلات روز از مناسبات اولیه فقهی استخراج و استنباط نمایند.

این نکته را هم باید توجه داشت که قسمت اعظم مشکلات موجود مربوط به استکبار جهانی و نقشه‌های شوم اوست. مثلاً اگر جنگ بر ما تحمیل نمی‌شد و نیروی انسانی ارزنده ما همراه با بودجه کلانی که صرف دفاع مقدس شد به کار سازندگی می‌پرداخت، کشور اسلامی ما در

بهره برداران، ترسیم گردیده باشد.

برنامه ریزی شده لازم است که به آن پرداخته شود.

آقای دکتر اسدالله رضوی، نماینده کرمان و عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارائی: به هر صورت، تعویق برنامه ضررش بیشتر است و باز هم نمی توان مطمئن بود که ضعفها با زمان برطرف شده، بلکه یکی از خصوصیات برنامه خوب این است که این ضعف را نیز، جبران کند.

آقای مهندس علی مبینی دهکردی، نماینده شهرکرد و عضو کمیسیون برنامه و بودجه: اگر روشهای معمول و روابط حاکم بر دستگاههای دولتی در قوه مجریه تغییری نکنند، در اجرای برنامه دوم نیز، تغییری حاصل نخواهد شد. هرگونه تحول و ابتکار عمل باید از بالا آغاز و به پایین سرایت کند. در غیر این صورت، بهتر آن است، انتظارات خود را از برنامه دوم از هم اکنون واقعتر کنیم و نیروی خود را متوجه تقویت بخش خصوصی نماییم. در این مورد لازم است حقوق مالکیتها و حمایتهای قانونی دولت از صاحبان سرمایه های مشروع، گسترش یابند و مستحکم تر شوند. به عبارت ساده تر، لازم است فضای اجتماعی جهت فعالیت شدن سرمایه ها و تأمین آزادی عمل و امنیت قراردادهای خصوصی، آماده تر شود.

آقای مهندس رضا عبداللهی، نماینده ماه نشان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه: برنامه مانند یک پالایشگاه یا نیروگاه نیست که ما دقیقاً ماکت و مدل آن را طراحی نماییم. مدل سازی برای یک برنامه، کار بسیار پیچیده است که با صدها داده سروکار دارد، یکی را که تغییر بدهیم، بقیه هم - نس - می کنند. در همانندسازی یا طرح یک مدل باید بین مجموعه اجزاء، سازگاری وجود داشته باشد، اگر بدون رعایت شرط سازگاری، یکی از اعضاء مدل کوچکتر و یکی بزرگتر شد، ترکیب و شکل این پیکر به طرز زشت و زنده ای در می آید. به اعتقاد من، در برنامه اول این شکل، تا حدودی به هم خورده و برخی از اعضاء، بدون توجه به زیبایی و موزونی ترکیب، کمتر و بیشتر از حد مورد انتظار، رشد کرده اند. در فرصت باقیمانده هم، برای برنامه اول کاری نمی توان کرد. اگر منظور برنامه دوم است، حداقل در مجلس شش ماه وقت

در برنامه دوم، بهتر است از برقراری قیمت های تضمینی محصولات کشاورزی و شمول اقلام بیشتر در آنها، حمایت بیشتری بسه عمل آید. در قانون جدید، کلمات قیمت های تضمینی، بهتر است به قیمت های تشویقی تبدیل گردد و در سطوحی چنان سخاوتمندانه تعیین گردند که باعث تحولی عظیم، در بخش کشاورزی کشور گردد. اگر این شیوه به کار برده شود و سوبسید

می‌نمایند؟ در این شرایط حساس، تیمهای کارشناسی روزانه چند ساعت کار و تلاش می‌نمایند؟ به راستی پشتکار نیروهای کارشناسی کشور برای تهیه یک برنامه جامع توسعه، تا چه اندازه است؟

آقای ابوالفتح نیکنام، نمایندهٔ تنکابن و رامسر و عضو کمیسیون صنایع و معادن: این که ما باید در حرکت کلی، برنامه‌ریزی مان، مدل داشته باشیم، کسی منکر نیست و اگر این مدل نباشد، ممکن است آخر سر، ترکیب نتایج برنامه، آن نباشد که مدنظر بوده. در خود برنامه اول هم، باز دیده شد که چون مدلی در برنامه‌ریزی نداشتیم، برنامه‌ها بی‌ارتباط با هم شکل گرفته است و چون به مرحله اجرایی رسید، بعضی از برنامه‌ها را در بین راه به عدم موفقیت یا عدم اهمیت و اولویتش، پی بردند و ناچار به توقف آن شدند.

از جمله مثل فولاد خراسان، با هزینه دو، سه میلیاردی که برایش انجام شد، عملاً در چارچوب نیازمندیهای مملکت و در چارچوب آن مدل نبود و عملاً متوقف شد.

آقای مهندس غلامرضا آقازاده، وزیر نفت: زمان عامل محدودکننده‌ای در تهیه مدل کلان برنامه‌ای است که اجرای آن در سال ۱۳۷۳ در نظر گرفته شده است. معذالک:

- ارزیابی واقعی عملکرد حاصل از برنامه اول در قالب نیازهای ملی.
- تعیین اهداف درازمدت به صورت برنامه

لازم کنار گذاشته شود، به زودی نیاز به ورود سالیانه چندین میلیون تن گندم و شکر و مرغ و روغن و غیره، با پول نفت توسط دولت و بنیادهای عمومی، نخواهیم داشت. اعمال دامپینگ توسط این نهادها، که همیشه تحت لوای حمایت از مصرف کننده انجام می‌گیرند، برای ابد از بین خواهند رفت.

کم نیستند تعداد مؤسسات تولید مرغ و جوجه‌کشی که در اثر همین اقدامات ظاهراً اصلاح، طی چند سال گذشته برای همیشه، نیست و نابود شده‌اند. بنابراین اگر قیمت‌های تشویقی برای محصولات کشاورزی به کار برده شوند، نه تنها تولید داخلی کالاهای اساسی، افزایش خواهد یافت، بلکه ز خروج ارز جلوگیری خواهد شد و برابر آن بر سرمایه‌گذارهای مولد، اضافه خواهد شد. ایجاد مشاغل جدید و درآمدهای جدید در این بخش، از برکات چنین برنامه‌ریزی خواهد بود.

آقای سلیمان میمندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

البته باید دید که دست‌اندرکاران تهیه برنامه توسعه دوم، از چند نفر کارشناس باتجربه، با چه سطح علمی استفاده

داده‌هایی که به داخل برنامه و مدل ریخته می‌شود فُرق می‌کند. ما با توجه به درآمدهای سرانه‌ای که پیش‌بینی شده و با توجه به قدرت خرید مردم و قدرت تولید کشور و در نظر گرفتن اولویتهای تولید، جیره غذایی مناسب را بررسی می‌کنیم. درآمد سرانه و رژیم تغذیه هم بخشی از درآمد سرانه افراد است.

رژیم تغذیه نیز خود تابعی است از درآمد ارزی کشور، رژیم تغذیه همچنین تابعی است از توان تولیدی کشور، و توان آب و هوایی مختلف و حاصلخیزی خاک کشورمان و توان تولید کشاورزانمان. تمام اینها در مدل بررسی می‌شود و فرضاً ۳ هزار یا ۲۸۰۰ کالری تعیین می‌شود. باز ترکیب این کالریها فرق می‌کنند. چه مقدار از چه گیاهی از چه منطقه‌ای می‌آید و چه مقدار تولید می‌شود و یا انواع پروتئین‌ها، امروزه هنوز وابستگی ما به پروتئین گیاهی خیلی بیشتر از پروتئین دامی است. حدود ۷۶ درصد پروتئین ما فقط زراعی است. هنوز گندم جایگاه بسیار وسیعی در تغذیه ما دارد. وقتی که ۷۶ درصد پروتئین مورد نیاز در برنامه دوم هم از پروتئین مستقیم گیاهی است و بیش از ۶۰ الی ۸۰ درصد از مجموع پروتئین گیاهی از گندم به دست می‌آید، جایگاه گندم در برنامه دوم برای ما مشخص می‌شود، پس بساید به اولین محصول استراتژیک کشور توجه زیادی بکنیم. وقتی به رژیم غذایی برسیم آن وقت اولویتهای

● مهندس یحیوی، رئیس کمیسیون نفت: نظام موجود برنامه‌ریزی به دلیل فقدان آمار و اطلاعات دقیق، عدم هماهنگی بین دستگاهها و غلط نگاه کردن به مقوله برنامه‌ریزی، نمی‌تواند جوابگوی شرایط ویژه کنونی باشد.

۲۰ ساله.

- تعیین اولویت در تخصیص منابع مالی، اعتباری و سرمایه‌گذاری در برنامه پنج ساله دوم.

- بهره‌مندی از تجربیات جهانی در رویارویی با شرایط مشابه.

- و بکارگیری کادر متخصص و مجرب در مسئولیتهای اجرایی، ازمواردی است که به عنوان مبانی اساسی در بازنگری به نظام برنامه‌ریزی قابل ذکر است.

آقای دکتر عیسی کلاتری، وزیر کشاورزی: الان برای مدت باقیمانده هیچ کاری نمی‌شود کرد. ما باید از نقاط ضعفی که هم از نظر تئوریک در تدوین برنامه وجود داشته و هم از نظر روشهای اجرایی با آن مواجه بوده‌ایم، برای اصلاح برنامه دوم استفاده کنیم.

در بخش کشاورزی ما می‌توانیم از تئوریهای برنامه‌ریزی که توسط سازمان خواربار جهانی پایه‌ریزی شده استفاده کنیم. همه کشورها می‌توانند استفاده بکنند، تنها

می دهند و پیش بینی درآمد سرانه‌ای را می کنند می توانیم ترکیبی از مدل را از اینها به دست آوریم.

مقدار انرژی نیز همین طور است، مثلاً بیش از ۸۰ درصد انرژی مستقیماً از طریق مصرف مواد گیاهی به دست می آید و این، جایگاه زراعت را کاملاً مشخص می کند. کل انرژی که از امور دام و تولیدات فرآورده‌های دامی و دریایی به دست می آید چیزی حدود ۱۹ درصد است. سه - چهار درصد محصولات باغبانی و ۷۸ درصد فرآورده‌های زراعی است.

اولویتها نشان می دهد که هنوز با اختلاف خیلی زیاد، اولویت اول با بخش کشاورزی است و باید در آن سرمایه گذاری بکنند که اگر پول داریم می توانیم در کشاورزی و در بخش زراعت یا دام و باغبانی سرمایه گذاری کنیم. اینها در داخل مدل برای ما مشخص است. قاعده‌تاً بایستی این مدل را توسعه بدهند. آن وقت باید اولویتها مشخص بشود که اگر فرضاً قیمت نفت از ۱۶ دلار به ۱۴ دلار رسید دریافتی چه بخشهایی باید کاهش داده بشود و یا

● مهندس علی مبینی دهکردی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه: برنامه‌ای مطلوب تلقی می شود که حیطة فعالیت و دخالت دولت را در امور تجارت و تولید محدود کند و در جهت خصوصی سازی حرکت کند.

سبزی در آرد

زراعتی ما مشخص می شود. مثلاً گندم قابل مقایسه با ذرت و چغندر نیست. کل پروتئینی که از حیوان به دست می آید چه از طریق لبنیات و چه گوشت ۲۰ درصد است و حدود ۳ درصد نیز از شیلات به دست می آید.

با این بررسی جایگاه پروتئینها برای ما مشخص می شود و بالطبع اولویتها هم همینطور است و اینکه چه گیاهی مدنظر باشد. چقدر باید سرمایه گذاری بشود. به عبارت دیگر اولویت سرمایه گذاری و قیمت گذاری ما مشخص می شود. و این در خرید قیمت‌های تضمینی و اولویت غذایی ما مؤثر خواهد بود. مثلاً ممکن است افراد جامعه بیش از ۶۲ درصد پروتئین مورد نیاز خود را مستقیماً از طریق گندم تغذیه بکنند و این به خاطر درآمد سرانه‌ای است که محدودیت دارد. اگر به فرض درآمد سرانه بالایی را داشته باشیم ما این ۷۵ درصد پروتئین گیاهی را می رسانیم به ۷۰ و یا ۶۸ درصد و بقیه‌اش را پروتئین دامی می کنیم. وابستگی ارزی مصرف گوشت و لبنیات زیاد است و کشور توان پاسخگویی به تولید این مقدار گوشت و لبنیات را نخواهد داشت. ولی با توجه به اطلاعاتی که دستگاههای ستادی - اقتصادی به ما

باید برنامه واقعی را به همراه امکانات واقعی ارائه بدهیم. حالا هرچقدر امکانات کاهش پیدا کرد خواه ناخواه در رشد اثر خواهد گذاشت. در برنامه اول دستگاه برنامه‌ریزی قدری یک طرفه به ضرر دستگاه اجرایی بخصوص بعضی دستگاهها مثل دستگاه کشاورزی قضاوت می‌کرد و بدون توجه به اینکه امکانات پیش‌بینی شده به آنها نمی‌رسید، همان رشد موردنظر و در نتیجه همان مقدار تولید را انتظار داشتند. بخش کشاورزی برنامه اول با یک مقدار محافظه‌کاری نوشته شده بود و کم و بیش پیش‌بینی می‌کردیم که امکانات به دست ما نرسد و یک مقدار محافظه کار شدیم خوشبختانه عمده تولیداتی که موردنظر بود به وجود آمد ولی در برنامه دوم به این شکل نخواهد بود. تقریباً از امکانات موجود استفاده لازم را کردیم.

کم کردن درآمد به طور مساوی در اثر عدم تحقق پیش‌بینی‌ها دقیقاً حکایت از نبود استراتژی دارد و اینکه اولویتها برای آنها مشخص نیست و نمی‌توانند اولویتها را پیدا کنند. مثلاً نمی‌دانند وقتی که درآمد ارزی کم شد چه بخشهایی از تولید و خدمات باید کاهش پیدا کنند یا اگر درآمد زیاد شد چگونه عمل کنند چه بخشهایی باید بیشتر تقویت بشوند. درآمد ریالی و نیروی انسانی همین‌طور است. از دیدگاه من این برمی‌گردد به ضعف علمی و اینکه ما در

اینکه همه بخشها باید به طور مساوی کمتر عایدی داشته باشند و شاید یکی از اشکالاتی که ما در برنامه اول داشتیم همین بود که وقتی درآمدها کم می‌شد به همان نسبت سهم همه بخشها کاهش پیدا می‌کرد. ولی وقتی درآمدها افزایش پیدا می‌کرد به همان نسبت در تمام بخشها افزایش حاصل نمی‌شد. آن بخشهایی که مورد نظر آقایان بود بیشتر افزایش پیدا می‌کرد ولی در کاهشها، همه مساوی بودند. در اینکه مدل لازم است بحثی نیست ولی من نمی‌دانم تا چه حد علم آن در داخل کشور موجود است. آیا این توان علمی وجود دارد که دهها رقم اطلاعات مختلف را بسجواهند جمع‌بندی بکنند و بر آن مبنای درخواست اولویتها را تشخیص بدهند، ولی ما در بخش کشاورزی در حال ایجاد این توان هستیم و بر همان مبنای هم پیش می‌رویم.

البته این در شرایطی است که وقتی برنامه تدوین شد بعد نگویند حالا بیائید با نصف پول لازم برای آن برنامه، بروید آن را اجرا کنید. یکی از اشکالاتی که در برنامه اول بود همین بود.

برنامه یک سری خواسته‌هایی داشته است، مثلاً ما گفتیم به فرض ما X% در کشاورزی می‌توانیم رشد داشته باشیم، و این امکانات را می‌خواهیم. حالا آن امکانات را نصف کردند گفتند همان درصد رشد پیش‌بینی شده را باید داشته باشید. ما

بخواهد و کارخانه دیگر تقویت بشود و ماده اولیه بیشتری در اختیار او باشد، برای اینکه جای دیگر جبران آن را بکند.

به علت ضعف ثوری که ما در این زمینه داریم نمی‌توانیم این مسائل را از هم تفکیک کنیم. منتها در افزایش درآمدها، سلیقه‌ها مدنظر است. وقتی که به فرض درآمد اضافه شد آن وقت سلیقه‌ها حاکم است که چه بخشی را بیشتر پول بدهند و اینکه با چه کسی بیشتر معاشرت داشته باشند.

ما عملاً در برنامه اول شاهد این مدعا بودیم که حق و حقوق یک سری بخشها را ندادند و یک سری بخشها هم بیشتر از حقشان گرفتند. این دقیقاً برمی‌گردد به ضعفهای ثوریک در کلان برنامه. علتش هم این است که شاید توان علمی برنامه‌ریزی هنوز محدود است. ما نباید فعلاً انتظار برنامه ایده‌آل را داشته باشیم. حتی در برنامه دوم هم نباید انتظار یک برنامه‌ریزی علمی داشته باشیم، ولی در برنامه سوم این ضعف، دیگر قابل توجیه نیست.

مهندس مرتضی الویری معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

... آمار و ارقام متأسفانه دقیق نبوده ولی می‌توان با توجه به عملکرد، تحلیل بیشتری بر اهداف برنامه خصوصاً اهداف کمی داشته و اصلاحات لازم را انجام داد. برنامه را به هیچ وجه نباید با دید بودجه بررسی و تنظیم نمود.

برنامه‌ریزی پیشرفته ضعف علمی داریم و کسی نمی‌تواند متکرر آن باشد. یعنی برای ما معلوم نیست که فردا اگر نفت از ۱۶ دلار به ۱۲ دلار رسید آیا می‌خواهیم نیروگاه را تکمیل کنیم یا فلان سد را از رده خارج کنیم؟ یا توسعه دانشگاهها یا توسعه صنعت را؟ چه نوع صنعتی مورد نیاز است؟ برای ما مشخص است که اولویت اول ما به خاطر پروتئین و کالری آن گندم است. مثلاً بعد از گندم گیاه مورد نظر دوم، برنج باشد یا سیب‌زمینی؟ کیفیتهای محصول و تولید این کیفیتها در هکتار، اولویتهای ما را مشخص کرده است و اینکه چقدر پروتئین و کالری می‌خواهیم از یک هکتار برداشت کنیم. ولی در بخشهای دیگر به علت اینکه این کمیته‌ها و کیفیتها را نمی‌توانند با هم ادغام بکنند برایشان مشخص نیست. فردا ممکن است به دلایلی ارزش موجود برای خرید مواد اولیه کاهش یابد و ما بلافاصله ممکن است بگوییم که کل تولیدات صنایع ۲۰ درصد کاهش پیدا کند. درحالی که برنامه خوب آن است که بگوید آن کارخانه به طور کامل

سؤال چهارم - موانع اطلاعاتی و ضعفهای انفورماتیک تا چه اندازه در تدارک یک برنامه موفق، ایجاد اشکال می‌کند؟ برنامه دوم تا چه اندازه از این موانع تأثیر می‌پذیرد؟ برای به حداقل رساندن این آفت، در تدارک برنامه دوم پیشنهادتان چیست؟

نمی‌آید. پیشنهاد من این است که برای به حداقل رساندن این آفت در تدارک برنامه دوم، خیلی بلندپروازی نباشد.

آقای سیدرضا تقوی، رئیس کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی:

به نظر می‌رسد چنین طرحی برای دولت در حال حاضر، امکان اجرایی ندارد. این موارد در حقیقت می‌بایستی قبلاً از طرف مجلس از دولت خواسته می‌شد که در مجرای قانون و یا هماهنگی‌های اولیه، به نظر مجلس محترم برساند و بر همین اساس، کار تهیه برنامه دوم را دنبال نماید.

آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها:

مهمترین اشکال برنامه اول را می‌توانیم ضعف اطلاعات و انفورماتیک ذکر کنیم. از آن جا که در طول برنامه، نتوانستیم این ضعف را به صورت کامل برطرف کنیم، قهراً این اشکال به برنامه دوم نیز سرایت خواهد

آقای علی اصغر باغانی، رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس:

باز هم من خیال می‌کنم موانع اطلاعاتی یک وقت هست که برگشت می‌کند به کارهای زیربنایی مملکت که در برنامه می‌خواهد ملحوظ بشود، یا برگشت می‌کند به درآمد کافی برای تحقق برنامه، یعنی برنامه‌ریزی منابع مالی را یک جور ترسیم کرده، در ذهنش که همراه با اطلاعات کافی و آینده‌نگری نبود، احتیاط لازم را به خرج نداد، بعد در هنگام پیاده کردن برنامه با اشکال برخورد کرد، این بخش دوم، شاید دست برنامه‌ریز هم نباشد. باید همه جوانب را رعایت بکنیم.

مثلاً از باب مثال، اگر فرض بکنند که درآمد نفتی در ۵ ساله آینده ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد بود، هر سالی مثلاً ۲۰ میلیارد دلار، خوب، چه بسا نتوانند درست پیش‌بینی بکنند و اما اگر برنامه‌ریز در هنگام تنظیم برنامه جانب احتیاط را داشته باشد و به عبارت دیگر دست بالا را نگیرد، در اجرا آن حد متوسط تحقق می‌یابد. این را اگر ملحوظ بکند، اشکال موانع اطلاعاتی پیش

نیاز به دقت و ارزیابی بیشتر دارد، لذا این قسمت هم بر مشکلات می افزاید. برای به حداقل رساندن، باید با اعتقاد به منافع ملی بر ارائه آمار و اطلاعات درست، تاکید کرد و با دستگاههایی که برای پرتو نشان دادن خود، اعداد و ارقام را بزرگتر می کنند، به شدت برخورد شود.

در تعریف مدیریتهای قوی، باید بیشترین امتیاز به عنصر همکاری و همراهی با دیگر بخشها داده شود. اگر دیدگاهی به این شکل اصلاح شود و در بازی گروهی و دسته جمعی مثل فوتبال، بازیکنی که کمترین پاسکاری و بیشترین تکراری را برای زدن گل داشته، کمترین امتیاز را بدهیم و از چند بازی او را محروم کنیم، شرایط خوبی برای هماهنگی و همکاری به وجود خواهد آمد.

آقای مهندس علی مبینی دهکردی، نماینده شهرکرد و عضو کمیسیون برنامه و بودجه: از جمله اهداف برنامه اول، یکی کاهش تعداد پرسنل دولت بود، که متأسفانه عملی نشده است. بلکه بالعکس، سالیانه بالغ بر ۸ درصد نیز رشد داشته است. در برنامه دوم می توانیم برای هرگونه استخدام جدید، منع قانونی ایجاد کنیم و این روند نامطلوب را دگرگون نماییم. مشاغل و پستهای زائد و موازی و مشابه در ادارات و شرکتهای دولتی باید شناسایی شوند و حذف گردند.

پرسنلی که بازدهی کار آنها صفر و یا منفی می باشد و حذف آنها باعث افزایش کارایی ادارات می گردند، شناسایی و بازنشسته و یا بازخرید شوند. به عبارت

مسیری در آرا

کرد. اگر بتوانیم یک نظام اطلاعات جامع و مورد قبول در کشور ایجاد کنیم، حتی اگر نواقصی داشته باشد، بهتر است تا این که هر دستگاهی، فقط آمارهای مربوط به خود را قبول داشته باشد.

آقای دکتر اسدالله رضوی، نماینده کرمان و عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی: مسلماً موانع اطلاعاتی و ضعفهای انفورماتیک، تا حدود زیادی در یک برنامه ایجاد اشکال می کند و اصولاً بدون داشتن اطلاعات، نمی توان یک برنامه خوب تدوین کرد. برنامه دوم نیز مستثنی نیست و برای به حداقل رساندن این آفت، باید بخشی در برنامه دوم، به جمع آوری اطلاعات و تحلیل آنها اختصاص داد.

آقای مهندس رضا عبداللهی، نماینده ماهنشان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه: آن چه مسلم است، بسدود آمار و اطلاعات که از ابزارهای اولیه یک برنامه است، سخنی از برنامه و برنامه ریزی، بی مورد است. در برنامه دوم فکر می کنم تا حدودی با کمبود اطلاعات و آمار دقیق مواجهیم و برخی از آمارهایی که دستگاهها برای موفق نشان دادن خود ارائه می دهند،

اطلاعات مربوط به بخشهای مختلف، باید اساس برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های آینده قرار گیرند، چون تاکنون ضعف آمار و انفورماتیک، برطرف نشده و طبعاً برنامه دوم توسعه هم، از این امر تأثیر می‌پذیرد.

به نظر می‌رسد که اگر آمار و اطلاعات تدوین شده توسط سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی، با آمارهای مشابه دستگاههای اجرایی مقایسه گردد و تفاوت و مغایرت آن مشخص شود، می‌توان تا اندازه‌ای به آمار و اطلاعات نسبتاً دقیقی دست یافت و از اثرات سوء فقدان آمار و اطلاعات صحیح، جلوگیری نمود.

آقای ابوالفتح نیک‌نام، نماینده تنکابن و رامسر و عضو کمیسیون صنایع و معادن:

برای هر حرکتی، حتی راه رفتن، اطلاعات لازم است. چون می‌خواهید قدمتان را بردارید، تا مطمئن نشوید که زیر پایتان چاله است یا مسطح است، پایتان را بر نمی‌دارید. پس وقتی که برای یک کار بسیار ساده این چنین مسأله اطلاعات نقش دارد، برای طراحی برنامه و اجرای برنامه، اطلاعات شأن و نظر بسیار، بسیار بالایی دارد. هر چقدر برای اطلاعات مطلوب، نه اطلاعات برای اطلاعات، اطلاعاتی کاربردی باشد و بدر برنامه‌ریزی بخورد، اگر کار بکنیم، کم کرده‌ایم و اگر برنامه‌ریزی ما، ناشی از یک اطلاعات ضعیف و کم محتوا تنظیم بشود، قطعاً آن برنامه منجر به

● آقای جلالی، رئیس کمیسیون کشاورزی: اگر در برنامه دوم حدود و ثغور روابط خارجی، نه تنها به لحاظ سیاسی، بلکه به لحاظ اقتصادی مشخص شود، قطعاً در برنامه‌ریزیها موفقتر خواهیم بود.

دیگر، ادارات دولتی باید از صورت کلیوهای دوستانه فعلی که اغلب وقت آنها صرف نوشیدن چای و خوش و بش کردن می‌گردد، خارج شود و خدمت به ارباب رجوع و کیفیت ارائه خدمات به مردم، معیار کفایت و لیاقت و پاداش قرار گیرد، نه میزبازی و مستطلبی و جوابهای سربالا به مردم دادن. به پرسنل دولتی باید پادآور شویم که فلسفه وجودی آنها، خدمت به مردم است و نه بالعکس. در هر صورت، پرسنل ناراضی تراش خود به خود محور نمی‌گردند و جهت خاتمه دادن به خدمت آنها، باید از بالا اقدامات لازم به عمل آید.

آقای سلیمان میمندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، همه مسئولین و کارشناسان برنامه‌ریزی کشور، از فقدان آمار و اطلاعات دقیق و قابل اتکا سخن گفته‌اند و شدیداً اظهار نگرانی می‌نموده و می‌نمایند. بدیهی است، آمار

یا ضعف آن، تصویرگر اقدامات مثبت یا منفی درمسیردستیابی به اهداف خواهد بود. مجموعه اقدامات ذیل در کاهش عوامل مخل دربرنامه نقش اساسی ایفا می نمایند:

- ارزیابی، اصلاح نگهداری به روز اطلاعات.

- بهره گیری ازاطلاعات صحیح درتنظیم برنامه.

آقای دکتر عیسی کلاتری، وزیر کشاورزی؛ برنامه اول به هرصورت هرچه بود و هرچه اشکال داشت خیلی بیشتر از هیچ بود. آمار و ارقام جدی نداشتیم و آمار و ارقامها خیلی فرق می کرد. مشکل بر سر ۵ یا ۱۰ درصد نبود، مثلاً آمار و ارقامی که وزارت کشاورزی یا بانک مرکزی و یا سازمان برنامه داده اند، بینشان اختلافات فاحش وجود داشته. بعضی مواقع این اختلاف تا صد درصد هم می رسید. در برنامه اول خاطریم هست که حدوداً ۷-۸ ماه طول کشید تا ما این آمارها را هماهنگ کنیم و بالاخره از خودمان چیزی بسازیم.

● دکتر عیسی کلاتری، وزیر کشاورزی: حدود ۷ یا ۸ ماه طول کشید تا آمار بخشهای مختلف در برنامه اول را که گاه تا ۱۰۰ درصد باهم اختلاف داشتند، هماهنگ کنیم و نهایتاً به چیزی برسیم که به واقعیت نزدیکتر باشد.

شکست می شود. لذا ما درارتباط با مسأله انفورماتیک و اطلاعات برای برنامه ریزی، اگر در مرحله اول موفق نبودیم، در برنامه ریزی دوم به معنای واقعی کلمه باید به آن نگاه بکنیم و به قوت، آمار اصولی را به کار بگیریم و با تجزیه و تحلیل اصولی آن اطلاعات، ما برنامه خودمان را دنبال کنیم، لذا من فکر می کنم، برنامه دوم به این مجموعه اطلاعات دقیق و همه جانبه و جامع و کامل دسترسی ندارد، اگر برنامه عقب بیفتد، بهتر که ما برنامه ای درست کنیم، بعد دنبال جمع آوری اطلاعاتش باشیم.

آقای مهندس غلامرضا آقا زاده، وزیر نفت: آمار واطلاعات وچگونگی بهره گیری تحلیلی ازآن لازمه تصمیم گیری و در نهایت متضمن صحت و سلامت اقدامات اجرایی است. لذا برنامه ریزی به عنوان حاصل اهداف و آرمانهای موردنظر نمی تواند بدون برخورداری از دقت، اطلاعات و توان تجزیه و تحلیل فرآیند طرح و برنامه در رویارویی با متغیرهای متعدد درونی و بیرونی، پی ریزی گردد. لذا نتایج حاصل از اجرای یک برنامه، تسابعی از متغیر داده های اطلاعاتی است که متناسب با صحت و سقم

مجلس برنامه دوم

باشیم. یعنی قطعاً برنامه دوم با دقت بیشتری برنامه ریزی می شود و پیش بینی های لازم هم با دقت بیشتری به دست خواهد آمد.

البته هنوز هم می توانیم با استفاده از روش های آماری و روش هایی که در برنامه ریزی های مختلف وجود دارد، آمار و ارقام را برای برنامه دوم دقیقتر بکنیم.

در بخش کشاورزی آمار و ارقامی که ما در حال حاضر در اختیار داریم می توانیم در حد ۹۵ درصد، پس از فصل زراعی دقیقاً پیش بینی کنیم که تولید ما چقدر بوده در حالی که در برنامه ریزی اول، این قدرت را نداشتیم. الان وقتی که می گوئیم تولید فلان محصول یک میلیون تن است، قطعاً نتیجه برداشت محصول زیر ۹۵۰ هزار تن نیست، بالاتر از یک میلیون و ۵۰ هزار تن هم نمی تواند باشد.

ما در بخش کشاورزی الان حتی حدود مزارع زارعین را هم داریم. تک تک مزارع کشور شناسنامه دارند.

میزان تولید در واحد سطح شان مشخص است. مشخص است که کشاورز چقدر سواد دارد و توان تولید او چه میزان است، اینها در سایر بخشها هم قطعاً هست. در کارخانجات، در مدارس و یا حتی در بخش خصوصی و بازار و غیره. اینها اطلاعاتی است که ما در برنامه اول نداشتیم و حتی می توانیم با روش های آماری و علمی اینها را بیشتر اصلاح کنیم و در برنامه دوم

بررسی های اجمالی هم بشود که کدام یک به واقعیتها نزدیکتر است.

در بعضی موارد آمار یک دستگاه را قبول می کردیم یا ترکیبی از مجموعه آنها را می پذیرفتیم این اشکالات وجود داشت و خوشبختانه در برنامه دوم هم این اشکالات خیلی کمتر شده و به نظر من بزرگترین دست آورد برنامه اول برای کشور این بود که آمار و ارقام نسبتاً مطمئنی را برای برنامه دوم پدید آورده که بر آن مبنا برنامه ریزی بشود.

یعنی یکی از مزیت هایی که برنامه دوم نسبت به برنامه اول خواهد داشت همین آمار و ارقام واقعی تر است که الان در اختیار ما است. مثلاً ما در بخش کشاورزی نمی دانستیم چقدر آب استحصال کنیم یا چقدر آب وجود دارد، بهره وری خاک چقدر است و حاصلخیزی آن چه جور است. حتی از نظر آمار هواشناسی ما مشکل داشتیم اصل اول برنامه ریزی هم آمار و اطلاعات است اگر این آمار و اطلاعات نباشد شما هیچ کاری نمی توانید بکنید. برنامه ریزی بدون آمار مثل توسعه بدون سرمایه است. کسی که سرمایه نداشته باشد نباید به فکر توسعه بیفتد و کسی که آمار و اطلاعات ندارد اصلاً نباید به فکر برنامه بیفتد. حالا چون خوشبختانه برنامه اول به هر ترتیب اجرا شد و پایه های بسیار خوبی را برای آمارهای نسبتاً واقعی به دست داد، اینها سبب می شود که اشکالاتی که ما در برنامه اول داشتیم در برنامه دوم نداشته

- یکی از نقاط ضعف برنامه نبودن سیستم آمار و اطلاعات دقیق و انفورماتیک است به طوری که طی این مدت ارقام بسیار متفاوتی از دستگاههای مختلف آماری و بررسی کننده مشاهده شده است. بناچار همین ارقام در طراحی برنامه دوم مینا قرار گرفته است. لذا ایجاد یک نظام آماری هماهنگ و تعریف شده در کل کشور و در بخش ها و زیربخش ها الزامی است.

سیری در آرا

سالم تر ارائه نمایم.

مهندس مرتضی الویری معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

سؤال پنجم - تأثیر متقابل یک «برنامه» و «روابط خارجی» را چه می‌دانید؟ در این خصوص در برنامه دوم، نظرتان چیست؟

برنامه را، خیلی تیره ببیند یا اصلاً عملی نشدن برنامه را، یعنی بلندپروازانه و غیرعملی باشد، باز هم طرف خارجی رویش تأثیر می‌گذارد و چه بسا به این که با ما روابط اقتصادی داشته باشد رغبت نشان ندهد.

آقای سیدرضا تقوی، رئیس کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی:

برخی موارد مطروحه، بحث نظامات است که در جای خود، بحث درستی است و می‌تواند برخی از آنها را قانون کرد. مثلاً نظام برنامه‌ریزی، نظام آماری، نظام بازرگانی خارجی، نظام ارزشیابی جامع، ...

آقای علی اصغر باغانی، رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس:

کشور اگر برنامه نداشته باشد و ایده‌اش در ۵ ساله آینده، مشخص نباشد، مسلم چه بسا طرفهای خارجی که ما با آنها رابطه داریم، راغب نباشند که در کشور سرمایه‌گذاری بکنند. اما اگر برنامه مشخصی کشور داشته باشد و هدف برنامه هم در آن ۵ سالی که برنامه را تدوین می‌کنند، مشخص باشد، طرف خارجی وقتی برنامه را ببیند و هدف مشخص برنامه را نگاه بکند و هم ببیند برنامه قابل تحقق است و بلندپروازانه نیست، رغبت می‌کنند که همکاری بکنند. از این جهت برنامه تأثیر می‌گذارد در روابط خارجی ما. اما اگر اهداف

در برنامه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، میزان ارتباطات و مبادلات با کشورهای مختلف می‌باشد. اگر برای برنامه دوم، حدود و ثغور روابط خارجی ما، نه تنها به لحاظ سیاسی، بلکه به لحاظ اقتصادی، مشخص شود، قطعاً در برنامه‌ریزیها، موفق‌تر خواهیم بود.

لذا با توجه به اهداف برنامه، به گونه‌ای بساید واردات کشور را کنترل کنیم تا تولیدکنندگان داخلی بتوانند رشد و شکوفایی خود را ارائه و فرصت رقابت با تولیدات خارجی را داشته باشند.

آقای مهندس سید محسن یحیوی، رئیس کمیسیون نفت:

امروز در نظام جهانی، سیاست و اقتصاد، یک نقش و رابطه دوطرفه را دارا بوده و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. طبیعی است که با توجه به ارتباطات گسترده و پیچیده امروزه، میزان تحقق اهداف یک برنامه، وابستگی شدیدی به روابط خارجی کشور مربوطه و میزان ارتباط با دیگر کشورهای همکار، در ابعاد مختلف دارد.

اگر این روابط به نحو صحیح و دقیق برقرار گردد و در تنظیم روابط خارجی دچار سردرگمی و نوسانات شدید نباشیم، می‌توانیم منابع اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف برنامه را، فراتر از آن چه که در اختیار داریم، تصور نماییم.

در عین حال اگر نظام اقتصادی توانمندی

● آقای ابوالفتح نیکنام، عضو کمیسیون صنایع و معادن: اگر هدف برنامه بدون عنایت به امکانات بالقوه تعیین شود، قطعاً زمینه اجرایی آن تحقق پیدا نمی‌کند.

آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها:

مجموعه جهان، یک نظام را تشکیل می‌دهد، طبیعی است کلیه پدیده‌های موجود در این نظام، تأثیر متقابل بر هم دارند. این پدیده‌ها، چه اقتصادی و چه فرهنگی و سیاسی، تأثیرات خاص خود را دارند. برای مثال: انقلاب اسلامی ایران، در افکار و اندیشه‌های جهانیان و حتی مسائل اقتصادی و اجتماعی جهان تأثیر داشت و با از هم پاشیدگی شوروی سابق، تأثیرات اقتصادی و سیاسی خاصی در جهان خواهد داشت و قس علیهذا.

از آن جا که یک برنامه، مجموعه‌ای از اهداف کمی و کیفی در یک کشور در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ... می‌باشد، ناگزیر تأثیراتی را در برنامه براساس روابط خارجی خواهیم داشت. نوع کشورهای که با آنها مبادله اقتصادی یا فرهنگی داریم و یا میزان ارتباطات، صادرات و واردات می‌تواند، تأثیراتی مثبت یا منفی بر آن کشورها و بالعکس داشته باشد. بنابراین، یکی از فاکتورهایی که

قدرت خرید بیشتر مردم، در اختیار کشورهای پیشرفته با درآمد بالاست.

بنابراین، ارتباط منطقی و برپایه احترام متقابل با سایر کشورها، از بدیهیات اجرای یک برنامه است و بدون رعایت آن، با مشکل مواجه خواهیم شد.

برای برنامه دوم پیشنهاداتی به این شرح ارائه می‌دهیم:

۱- زمینه ایجاد رقابت سالم در کلیه اقشار ملت باید به وجود آید. انحصارات دولتی باید برداشته شود. غیر از امور سیاسی - دفاعی و امنیتی، در بقیه امور، بویژه، در کارهای تولیدی و خدماتی باید حقوق مساری برای بخش دولتی، تعاونی و خصوصی برقرار شود، تا در صحنه رقابت، مدیریتهای قابل امکان ارائه خدمت بیشتر برای جامعه را فراهم سازند و افراد ضعیف و ناتوان، هزینه سنگین ضعف مدیریت خود را بر مردم تحمیل نکنند.

۲- برای اجرای عدالت اجتماعی و از بین بردن زمینه‌های تبعیض و فساد، با تبلیغات گسترده و کارهای فرهنگی و توجیه کردن مردم، برای یک برنامه پنج ساله، مابین‌النفوس کلیه سوئیدهای آشکار و پنهان با ایجاد اطمینان لازم از دریافت، به

● دکتر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی: حدود ۲۱ سال از عمر قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ گذشته است و حتماً به یک بررسی مجدد نیاز دارد.

سیبزی در آرا

داشته باشیم، می‌توان در تنظیم روابط خارجی، حالتی پیشرو و حتی دیکته کننده داشته باشیم.

آقای دکتر اسدالله رضوی، نماینده کرمان و عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی:

روابط خارجی، از جمله جوانبی است که در سؤال اول به آن اشاره شد و باید تأثیر آن در برنامه پیش‌بینی شده باشد. به هر صورت با توجه به این که مسائل خارجی خیلی قابل پیش‌بینی نیست، می‌توان حد نهایی را در برنامه در نظر گرفت و یا در موارد خاص، همان طور که در سؤال اول اشاره شد، برنامه را اصلاح کرد.

آقای مهندس رضا عبداللهی، نماینده مردم ماه‌نشان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

تدوین یک برنامه واقعی و در نظر گرفتن سرعت رشد با استراتژی امنیت ملی و تنظیم روابط خارجی، رابطه مستقیم دارد، در حالی که ایجاد امنیت در مرزها ضرورت دارد، داشتن رابطه اقتصادی با سایر کشورها، براساس درجه اهمیت آن کشور برای ما، ضروری است. صرف نظر از مسأله صادرات نفت در صورت توانایی تولید کالایی در داخل، برای صادرات آن نیازمند بازارهایی هستیم که این بازارها، به دلیل

مجلس و برنامه درجه

دارند، نرخ زادوولدی بیشتر از ایران داشته‌اند. اگر با جدیت و تلاش همه‌جانبه، بتوانیم رشد جمعیت را در برنامه پنج ساله دوم به ۳ میلیون نفر کمتر از برآورد ۶۷ میلیون نفر در پایان سال ۱۳۷۷ برسانیم، بهترین کار را انجام داده‌ایم.

زیرا اگر حداقل سرمایه‌گذاری لازم برای غذا - مسکن - پوشاک - آموزش - کارهای زیربنایی (آب - برق - ارتباطات)، تجهیزات و ماشین‌آلات کارخانه‌ای، در برنامه پنج ساله برای یک نفر ۸۰۰۰ دلار باشد، با افزایش ۳ میلیون نفر جمعیت، نیاز به ۲۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و اگر سرمایه‌گذاری انجام نگیرد، فقر در بین جامعه توزیع خواهد شد. امکان تأمین ۲۴ میلیارد دلار برای جمعیت موردنظر، بسیار بعید و کاهش سطح زندگی از شرایط حاضر، منطقی به نظر نمی‌رسد، لذا بهترین کار این است که با صرف هزینه‌ای مثلاً در حد یک میلیارد دلار، ۲۳ میلیارد دلار صرفه‌جویی کنیم. چنین کاری، بهترین و بازده‌ترین کار اقتصادی است که می‌توانیم در برنامه پنج ساله انجام دهیم. با اراده مصمم این کار امکان‌پذیر و عملی است و برای نمونه، در یکی از روستاهای زنجان که خانه بهداشت فعالی دارد، میزان نرخ رشد جمعیت در سال ۷۱ یک درصد بوده است.

۵- با توجه به این که چشم‌انداز برابر شدن تولید و مصرف نفت در داخل، با روند فعلی حداکثر تا سال ۱۳۸۵ را تصویر

مردم پرداخت، محصولات، حداقل بر مبنای نرخ شناور ارز عرضه گردد. صرفه‌جویی، کاهش مصرف، اصلاح ساختار و به کارآفتادن فکرها، از نتایج این سیاست خواهد بود.

۳- با سیاستهای قاطع و روشن والگوی مصرف حداقل و مکانیزم قیمت‌ها، جلوی مصارف زیاد گرفته شود. مثلاً اگر بنا باشد در سال ۴۰۰ هزار واحد مسکونی ایجاد شود، به طور متوسط ۲۰ متر مربع از فضاها کاسته شود، در یک برنامه پنج ساله حداقل ۱۲۰۰۰ میلیارد ریال صرفه‌جویی خواهد شد. هزینه کردن در مسکن هرچند سرمایه‌گذاری است، اما سرمایه‌گذاری مصرفی است و توان اقتصادی ما را بالا نمی‌برد. خانه کوچک به اسباب و لوازم کمتری نیاز دارد، بنابراین، بخشی از پس‌انداز جامعه، با محدودیت در ایجاد واحدهای بزرگ و لوازم لوکس و گران قیمت، به شکل قانونی یا قسمتی ناچار در تولید صرف خواهد شد، به شرط آن که، بستر تولید، از بستر خدمات و واسطه‌گری، هموارتر و انگیزه‌دارتر باشد.

۴- نرخ رشد جمعیت نباید به شدت کاهش و میزان زادوولد، با آموزش و آگاهی مردم و ارائه وسایل پیشگیری رایگان، باید کنترل گردد. در میان ۱۲۵ کشور جهان که در سال ۱۹۹۲ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، کمتر از ۲۰ کشور که اکثراً جمعیت کمی

می‌نماید باید به فکر تأمین ارزش غیر از فروش نفت برای اداره کشور بود.

برای این کار، پس از تنظیم سیاست خارجی و تعریف نحوه ارتباط با کشورهای دیگر، از دیدگاه استراتژی امنیت ملی و اداره کشور، با فرض صفرگرفتن درآمدهای نفتی، تا فرصتها از دست نرفته، باید زمینه‌هایی ایجاد کرد که مردم و بنگاههای اقتصادی، اعم از دولتی - خصوصی و تعاونی برای کار و ایجاد درآمد، از بازارهای خارجی و بین‌المللی، مورد پشتیبانی جدی قرار گیرند، استفاده از امکانات کشور و حمایت در بازارهای داخلی، مشروط بر توانائی حضور در خارج از مرزهای کشور قرار گیرد.

۶- با پیشرفت سریع علم و تکنولوژی، روز به روز ارزش مواد اولیه و منابع طبیعی کاسته می‌شود. بنابراین باید آموزش - آموزش و پرورش - آموزش عالی و تحقیقات و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و پرورش انسانهای متفکر و خلاق، بسیار جدی گرفته شود و سرمایه‌گذاری در این بخش، با هدف تربیت انسانهای با ایمان و آگاه که نقش موثری در رشد تولید ناخالص کشور داشته باشند، باید انجام پذیرد. اگر بیش از ۹۵ درصد دانش‌آموزان مقاطع پنجم ابتدایی و سیم راهنمایی و چهارم متوسطه،

در یکی از مناطق آموزش کشور، در خردادماه قبول نمی‌شوند، نسبت به هدر رفتن منابع عظیم دولتی و خانوارها و اتلاف عمر معلمان و متعلمین، باید چاره‌جویی کرد. این آموزش نه تنها در رشد اقتصادی تأثیری ندارد، بلکه در جهت عکس آن است. امروزه مزیت‌های نسبی، انسانهای دانا و توانای هر کشورند. لذا، ضمن تلاش برای رفع کمبود نیروی کارآمد، باید از نیروهای موجود هم به خوبی استفاده شود.

۷- در برنامه دوم باید شرایطی فراهم نمود، تا از منابع، استفاده درست و حداکثر به عمل آید. از وقت نیروی انسانی، ماشین‌آلات و تجهیزات کارخانه‌ای - وسایل نقلیه - ماشین‌آلات راهسازی و سدسازی و کشاورزی، فضاها - زمین‌ها و مراتع و دامها - راهها و راه‌آهن و ارتباطات و انرژی و کلیه امکانات موجود در کشور، باید به خوبی استفاده شود.

۸- برای اجرای عدالت اجتماعی و جلوگیری از تشکیل مراکز جمعیتی بزرگ، که ابعاد گوناگون گسترش و شکل‌گیری آنها، به مصلحت کشور نیست، شرایط درآمد بیشتر و زندگی راحت‌تر، برای مردم بومی و کلیه کارکنان در نقاط کوچکتر و روستاها، باید فراهم شود. مثلاً یک خانواده در تهران ماهیانه حداقل با سیصد هزار ریال، در زنجان با دویست هزار ریال و در ماه‌نشان، با یکصد هزار ریال، بتوانند زندگی کنند و بالعکس، یک معلم در ماه‌نشان، بیشتر از زنجان و در زنجان بیشتر از تهران، درآمد

آقای مهندس علی مبینی دهکردی، نماینده شهرکرد و عضو کمیسیون برنامه و بودجه: چنان که گفته شد، هرگونه برنامه ریزی با شناسایی و تخصیص منابع ملی و چگونگی انجام پروژه‌های تولیدی و یا عمرانی، سروکار دارد و در کشور ما، بخش عمده منابع ملی، منشاء دولتی دارند و از محل فروش نفت و دریافت‌های مالیاتی تأمین می‌گردند و نیز، انجام پروژه‌ها نیاز به واردات ماشین‌آلات و تکنولوژی از خارج دارد. یک برنامه مستدل، که بر پایه مفروضات منطقی و پیش‌بینی‌های صحیح تهیه شده باشد، بهتر می‌تواند روابط کشور ما را در طول برنامه با دنیای خارج تنظیم نماید، تا این که، با کمبودهای ارزی مواجه نشویم. عملکرد ضعیف سیستم بانکی کشور و تصور آن در پرداخت بدهیهای خود در سررسیدها و بالاخره انباشت حدود ۳۰ میلیارد دلار بدهی به دنیای خارج در طول برنامه اول، که از بابت آن سالانه میلیاردها دلار بهره به خارجیان پرداخت می‌نماییم، درس عبرتی باشد برای قوه مجریه، تا در برنامه دوم بهتر از قبل، عمل نماید.

در هر صورت، یک برنامه خوب بر روابط خارجی کشور و بویژه وضعیت اعتباری آن با دنیای خارج، بسیار مؤثر است و اگر بد عمل شود، قادر است آبرو و اعتبار کشور را از بین ببرد.

از طرف دیگر، چون امور دفاعی معمولاً درصد قابل توجهی از هزینه‌های

● دکتر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی: اولین اصل حاکم بر یک برنامه خوب، برخورداری از مبانی آماری و اطلاعاتی مشخص و قابل قبول است.

کسب نماید و این مابه‌التفاوت نسبت به محل خدمت، باید آن قدر باشد که انگیزه لازم برای حضور در مناطق محرومتر ایجاد نماید.

۹- مجلس محترم و نمایندگان عالیقدر، باید با دقت و هوشیاری، امکان ایجاد اصلاحات و انجام کارهای زیربنائی و اساسی را برای ریاست محترم جمهوری و هیأت دولت، فراهم نمایند. اگر اصلاحات لازم در زمان ریاست جمهوری جناب آقای هاشمی رفسنجانی که شجاعت و شهامت و از خودگذشتگی ایشان، برای همه ثابت و آشکار است، انجام نگیرد، با گذشت زمان و سخت‌تر شدن شرایط، بعید به نظر می‌رسد که در دوره‌های بعدی، چنین آمادگی وجود داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌نمایم در یک فضای صمیمی، مجلس و دولت انجام اصلاحات را طی جلسات مستمر به بحث و بررسی گذاشته و برای عملی شدن آنها، تصمیم‌گیری نمایند. برای مثال: آب و برق و بنزین و هواپیما و... با قیمت‌های فعلی به مصلحت کشور نیست.

خارجی، دولت باید متوجه باشد که بالاخره در سررسید، باید مسترد گردد. پس در مصرف آنها در اجرای پروژه‌ها، که معمولاً درازمدت و عمرانی هستند، لازم است کمال دقت و توجه را بشماید.

جاری برنامه‌ها را به خود جذب می‌کند، معمولاً مورد توجه و حتی، حساسیت بعضی از دول خارجی می‌باشد. خوشبختانه در برنامه دوم، تأکید بر روی امور اجتماعی و بویژه آموزش و پرورش قرار دارد، تا بتواند رفع کمبود مدرسه و کلاس و معلم و دبیر و استاد و غیره را تا حدودی مرتفع سازد. لیکن آن چه عموماً در روابط اقتصادی، مورد توجه خارجیان قرار دارد، به مقدار منابع ارزی کشور است که بالاخره، تا آخرین دینار، در خارج از کشور صرف خواهد گردید. این رقم هرچه بیشتر باشد، وضعیت اعتبار کشور ما را در انظار جهانی بهتر خواهد نمود و آنها سهل‌تر برای فروشهای اعتباری و یوزانسی به کشور، آمادگی پیدا خواهند کرد.

آقای سلیمان میمندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

طبعاً کلیه کشورهای پیشرفته و درحال توسعه، برای تنظیم روابط اقتصادی و سیاسی خود با سایر کشورها، به برنامه‌های توسعه آن کشورها دقیقاً توجه دارند. ما باید هنگام تهیه برنامه توسعه دوم، به نحوی سیاستگذاری نماییم که بر اهمیت اصول والای اسلام تأکید شود، و قبل از هر امری به کرامت و رشد معنوی و آزادی واقعی انسانها صحنه بگذاریم.

همین طور سازمانهای پولی و اعتباری بین‌المللی، از دور برنامه‌های پنج ساله دولت و سیاستهای ارشادی آن را مورد تجزیه و تحلیل خود قرار می‌دهند. حتی در بعضی موارد ممکن است، پیشنهاداتی را نیز در جهت اهداف برنامه، فقط متذکر شوند و با واگذاری و اعطای اعتبارات ارزی به دولت، بر منابع دولت بیافزایند. دولت در استفاده از این منابع خارجی مختیر است، لکن در صورت استفاده از این نوع اعتبارات

آقای ابوالفتح نیکنام، نماینده تنکابن و رامسر و عضو کمیسیون صنایع و معادن: روابط خارجی، تا آن جا که باور دارم، بر اساس احترام به توانمندی‌هاست. زمانی که یک کشور توانمندی لازم را برای حرکتهای اقتصادی و سیاسی اجتماعی و

● مهندس الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات: باید نقاط قوت و ضعف برنامه اول را برای جبران خطاها، به دور از مسائل سیاسی ارزیابی کرد.

حساب می‌کنند.

آقای مهندس غلامرضا آقازاده، وزیر نفت؛ ارتباطات برون مرزی متناسب با میزان خوداتکائی و خودکفائی شدت و ضعف می‌یابد. امروزه تنها ۱۵ درصد از ممالک جهان دارای خودکفائی صنعتی، کشاورزی و اقتصادی هستند. اما در عین حالی که با یکدیگر رقابت دارند، از طریق تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی، در تعیین ارزش و حجم معاملات مواد اولیه و خام نقش غالب را ایفا می‌نمایند و از این طریق موجبات تبعیت ۸۵ درصد از کشورهای دنیا را از اهداف و برنامه‌های خود فراهم آورده‌اند.

از آنجا که منبع اصلی سرمایه‌گذاری در برنامه دوم، فروش نفت و جلب سرمایه خارجی است، لذا تأثیر روابط خارجی بر برنامه قابل ملاحظه است که از طریق اتخاذ شیوه‌های اصولی قابلیت تحصیل می‌یابد.

آقای دکتر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی؛ اینجا دو مسأله مطرح است که یکی روابط اقتصادی و دیگری روابط سیاسی است. به نظر من در مورد ایران مسائل اقتصادی بیشتر تحت تأثیر مسائل سیاسی است. در مورد سایر کشورها مسأله برعکس است و اغلب، مسائل سیاسی تحت تأثیر مسائل و روابط اقتصادی‌شان قرار می‌گیرد. مورد دیگر، هم مسأله سرمایه‌گذاری در

فرهنگی خودش ندارد، قطعاً مورد عنایت کشورهای دیگر نیست و اگر کشوری دارای توانمندی و قوت بالایی برای اجرای آن چه که خود به عنوان برنامه می‌خواهد محققش کند، خوب، این به عنوان یک مجموعه قابل اعتماد و قابل پیش‌بینی، مورد نظر قرار می‌گیرد. قطعاً هیچ فردی حاضر نیست که با مجموعه‌ای که رفتارهایش و عملیاتش و حرکت‌های آینده‌اش، غیرقابل پیش‌بینی است، با آن ارتباط برقرار کند و نزدیک بشود. چون هر آن می‌تواند حرکت‌های او خارج از آن باورهایی باشد که آن برای خودش در نظر گرفته. در رابطه کشور هم همین طور است. یک کشور توانمند که دارای برنامه باشد و برنامه منسجم و با هدف‌الایی را برای کشور و قدرت اجرایی برنامه را داشته باشد و نظم و ترتیب داشته باشد، این برای کشورهای دیگر مطلوب است و روی آن کشور، حساب باز می‌کنند. لذا ما اگر در این خصوص، ترتیبی را اتخاذ کنیم که اولاً برنامه قابل حصول با توجه به توانمندی خودمان و با توجه به اطلاعات و غیره و اینها در نظر بگیریم و با سیستم‌های عملیاتی که به کار می‌بریم و هزینه‌ای که برایش پیش‌بینی می‌کنیم، بر همان اساس عمل بکنیم، قوتمان را در این زمینه نشان بدهیم، قطعاً در روابط خارجی ما اثرات مثبتی خواهد داشت و دولت‌های خارجی، روی کشور ما به عنوان یک کشور توانمند و قدرتمند، برای تحقق اهداف

خریدارند. به عنوان مثال دربخش کشاورزی محصولات پسته، خرما و سایر فرآورده‌های ما را اینها خریدارند. البته ممکن است که نیازمند آن نباشند، ولی خریدار آن هستند چراکه پول دارند.

اگر مسأله سیاسی داشته باشیم آنها از ما خرید نمی‌کنند. الان اروپا در مورد بعضی محصولات برای ما تعرفه ترجیحی گذاشته و نمی‌توانیم محصولاتمان را صادر کنیم. در نتیجه ممکن است از اهداف صادراتی برنامه فاصله بگیریم. کشورهای افریقایی می‌خواهند محصولات ما را بخرند، مستها پول ندارد. همینطور یک سری از دیگر کشورهای جهان سوم.

مسائل سیاسی در زمینه انتقال تکنولوژی و جذب سرمایه خارجی مؤثر است و همچنین در صادرات ما به آن کشورها تأثیر دارد.

امروزه در دنیا دو نوع برنامه می‌توانیم داشته باشیم. یا برنامه‌ریزی می‌کنیم که هیچ نیازی به تکنولوژی خارجی نداشته باشیم یا حداقل، نیازی به تکنولوژی کشورهای که ممکن است روزی به خاطر مسائل سیاسی با ما درگیر بشوند نداشته باشیم. یا برنامه‌ای با تکنولوژی دیگری بریزیم که ممکن است روابط خارجی اثری بر آن نداشته باشد. یا اینکه نیازی به سرمایه خارجی برای توسعه و مسائل دیگر نداشته باشیم. و صرفاً متکی به درآمدهای داخلی مان باشیم. می‌توانیم برنامه‌ای داشته باشیم که در آن اتکالی به درآمد نفتی نباشد، الان وضع به گونه‌ای است که چنین اتکالی نمی‌تواند هم وجود

برنامه است. به طوری که اگر ما با کشورها مسائل و مشکلاتی نداشته باشیم راحت‌تر به کمک ما می‌آیند و برای سرمایه‌گذاری و کمک در سرمایه‌گذاری‌های مشترک برنامه‌ریزی می‌کنند. یعنی اثر این مسأله، بخصوص در زمینه توسعه، یک اثر مستقیم است. فرضاً سه سال پیش استقبال از سرمایه‌گذاری در ایران از نظر سیاسی خیلی زیاد بود. چون آن موقع مشکلات سیاسی کمتری داشتیم. به تدریج بعضی مسائل بین‌المللی سبب شد که یک سری جهت‌گیریهای سیاسی بکنیم و استقبال خارجی‌ها در سرمایه‌گذاریها کم شد، حتی در برخی موارد خودشان را کنار کشیدند و بالاتر از آن حتی مصوبات خودشان را در بعضی موارد که اعتباراتی داده بودند لغو کردند و اعتبارات را پس گرفتند و اینها صرفاً به دلیل مسائل سیاسی بود. در برنامه دوم هم مثل برنامه اول، اثرات روابط خارجی ناشی از مسائل سیاسی بیشتر از مسائل اقتصادی است. این مسائل حتی روی مسائل درآمدی و غیره اثر می‌گذارد. صادرات ما بیشتر به کشورهای آسیای شرقی و یک سری کشورهای قاره آمریکا، آنها هستند که نفت و کالاهای ما را

به نحوی از انحاء هر آن ممکن است با ما مسأله سیاسی داشته باشند، این است که تأثیر متقابل برنامه در روابط خارجی دقیقاً وجود دارد و فعلاً ما در شرایطی نیستیم که یک برنامه توسعه مناسب داشته باشیم تا بتوانیم روابط خارجی را از آن حذف کنیم.

مهندس مرتضی الویری معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

- داشتن برنامه یعنی داشتن نظام، هدف و حرکت در راستای آن و به عبارت دیگر جلوگیری از دنبال نمودن فعالیتهای انفعالی و متغیر. به عبارت دیگر داشتن برنامه، در واقع به معنای ثبات اقتصادی یک کشور است و بدیهی است که در روابط خارجی کاملاً اثرگذار است و مورد تحلیل و قضاوت قرار گرفته و اعتبار بیشتری ایجاد می نماید.

داشته باشد. فروش نفت عمدتاً به مسائل و روابط سیاسی مربوط است. وقتی مشکل سیاسی پیدا می شود، روابط خارجی مشکل پیدا می کند و نفت ما به فروش نمی رسد، پروژه ها متوقف می شوند و این است که نمی شود آن را از اهداف برنامه جدا کرد.

البته در بخش کشاورزی ارتباط نسبتاً کمتری با روابط خارجی در مقایسه با بخش صنعت داریم. این خودش مزیت است چون تکنولوژی آن را می توان در داخل کشور تأمین کرد، وابستگی ارزی آن کمتر است و مواد اولیه اش را هم کم و بیش در داخل داریم. حتی اگر خارجی ها هم کمک نکنند همه اش از بین نمی رود. لطمه می بینیم، ولی از بین نمی رویم. اما بقیه بخشهای تولیدی این مزیت را ندارد و واردات مستقیم ما هم عمدتاً از کشورهایی است که

سؤال ششم - آیا جناب عالی اصلاح قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ را به مثابه امکانی برای توسعه برنامه ریزی و حرکت «برنامه مدارانه» ضروری می دانید؟

سازمان برنامه و بودجه و برنامه ریزان دولت، نشستهای مشترکی داشته باشند، ضعف و قوت برنامه را دقت بکنند، بعد آن وقت، نقاط منفی برنامه های گذشته را در برنامه آینده حذف بکنند. نقاط قوتش را اصلاح بکنند و تصویب بکنند. این کار نیاز

آقای علی اصغر باغانی، رئیس کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس:

ما به طور کلی، نظرم آن این است که برنامه پنجساله دوم وقتی بخواهد تدوین بشود، از قبل باید کمیسیون تخصصی و صاحب نظران مجلس در امر برنامه ریزی، با

مرحله دوم را که عمدتاً سیاستهای اجرایی و برنامه‌های کمی است، جهت تصویب به مجلس محترم شورای اسلامی تقدیم دارد. تجربه نشان داده است که این قبیل بحث‌ها، عملاً تحت الشعاع ضرورت و فوریت تصویب برنامه قرار گرفته و عمدتاً به اصلاحات مختصر و جزئی، همان ساختار برنامه پیشنهادی به تصویب می‌رسد. مگر این که انشاء... درآینده این نقطه نظرات در قالب ساختار و نظام برنامه‌ریزی مطلوب، صورت قانونی به خود بگیرد.

آقای ابوالفتح نیکنام، نماینده تنکابن و رامسر و عضو کمیسیون صنایع و معادن: این که قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۵۱ با نگرش و بینش آن مقطع زمانی، طراحی شده و آن برنامه بتواند برای مقطع ۱۳۷۱ و به بعد قابل تحقق باشد، احتمالش کم است، چون در هر صورت برنامه‌های قانون برنامه و بودجه مصوبه ۱۳۵۱، با پیش‌فرضهای مجموعه دولتی تنظیم شده که دولت فرهنگ خاص خودش را داشت. سلطه را می‌پذیرفته و سلطه‌پذیری داشته و نهایتاً کشوری بوده که تصمیمش را در درون خودش نمی‌گرفته، برایش دیکته می‌کردند و او انجام می‌داده است. خوب، یک چنین باوری نمی‌تواند با وضعیت فعلی ما تناسب داشته باشد. لذا قانون برنامه و بودجه مان هم باید با این باورها جور باشد. لذا تجدیدنظر، بررسی و تجدید در آن، قطعاً برای آینده ما مؤثر است.

به جلسات مشترک و نشستهای مشترک بین برنامه‌ریزان دولت و مجلس دارد، تا یک برنامه درستی با مشارکت همدیگر تدوین بکنند، و آن وقت، این برنامه در وقت طرح در مجلس هم دچار اشکال نخواهد شد و مجلس هم با بصیرت، چنین برنامه‌ای را تصویب خواهد کرد. من نشستهای مشترک را ضروری می‌بینم، برای توضیح نقاط قوت و ضعف برنامه‌های گذشته و حذف نقاط منفی و آوردن نقاط مثبت برنامه‌های سال ۵۱ در تدوین برنامه ۵ ساله دوم.

آقای سیدرضا تقوی، رئیس کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی:

به نظر اینجانب، این پیشنهاد مناسبی می‌تواند باشد (در صورتی که از نظر دولت قابل اجرا باشد) که اهداف کلی و کلان، خط‌مشی‌ها، استراتژیها و سیاستها و پاره‌ای موارد دیگر که تعیین کننده و مبنایی است، ابتدا به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، سپس دولت در قالب این مرحله،

دیگری هستیم و باید روشهای جدیدی را در اجرا پیاده کنیم. در بسیاری موارد این قانون با شرایط جدید سازگار نیست. اما قانون بدی هم نیست. فقط در بعضی از جاها نیاز به اصلاح دارد. شاید نیاز باشد که گاهی قدرت سازمان برنامه افزایش پیدا کند الان تقریباً سازمان برنامه حالت نظارتی خودش را از دست داده است و در شرایط حاضر سازمان برنامه صرفاً یک ژاندارم بودجه است. شاید خیلی وقتها در قضاوتش هم اشتباه می‌کند و این نیز به خاطر آن است که نظارت ندارد. که این به کارها لطمه می‌زند. حالا باید ببینیم جاهایی که قانون قدرت نظارتی دارد، آن را افزایش بدهیم و در جاهایی که حالت ژاندارمی دارد، تجدید نظر بشود.

من فکر می‌کنم هر قانونی پس از ۲۱ سال قطعاً نیاز به تجدیدنظر دارد. شرایط و طرزفکرها و اهداف عوض می‌شوند و تکنولوژی هم تغییر می‌کند. قانون پویا قانونی است که خودش را با سازمان تطبیق بدهد. با در نظر گرفتن اینکه باید سازمان برنامه‌ای قوی و برخوردار از قدرت نظارتی خوبی داشته باشیم، این قانون نیاز به یک بررسی دوباره دارد. شاید یکی از دلایل وجود آمار و اطلاعات نادرست، همین ضعف نظارتی است که در مورد پروژه‌های اجرایی، عمرانی و جاری در کشور وجود

● آقای سلیمان میمنندی، عضو کمیسیون صنایع و معادن: در شرایط حساس کنونی، نظام موجود برنامه‌ریزی، نمی‌تواند به طور مطلوب، منادی اجرایی عدالت اجتماعی باشد.

آقای مهندس غلامرضا آقازاده، وزیر نفت: باتوجه به توضیحاتی که قبلاً دادم و ملحوظ داشتن شرایط جدید کشور و جهان، اقدام در جهت برنامه‌ریزی زیربنایی و از آن جمله اصلاح قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ ضروری است.

آقای دکتر عیسی کلاتری، وزیر کشاورزی: ما مجبوریم در خیلی از قوانین تجدیدنظر کنیم. این قانون مربوط به سال ۱۳۵۱ است و اکنون خیلی از شرایط عوض شده است، به هر صورت هر قانونی بعد از ۱۰-۱۵ سال حتماً نیاز به اصلاح دارد. الان حدود ۲۱ سال از عمر این قانون گذشته است و با توجه به تشکیلات و اهداف و روشهای اجرایی جدیدتری که وجود دارد یک بررسی دوباره نیاز دارد. قانون سازمان برنامه در سال ۵۱ و باتوجه به شرایط اجرایی آن روز تدوین شده و الان در شرایط

مهندس مرتضی الویری معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

- باتوجه به تغییر بسیاری از پارامترها و تغییرات ساختاری در اهداف، استراتژیها، برنامه ریزیها، اجرای طرحها و...، قانونی که برای شرایط ۳۰ سال گذشته تدوین شده هیچگاه نمی تواند برای شرایط حال کارآیی داشته باشد. پس بازنگری و تطابق آن با شرایط جدید یک الزام است.

مسیری در آرزو

دارد این قانون باید به همراه یک سری قوانین دیگر چه از نظر تشکیلاتی و چه از نظر اجرایی و قانونمندی تجدیدنظر بشود.

همچنین اگر نظارت قوی باشد اولویتها مشخص می شود. مثلاً ما الان سرمایه سنگینی را در برنامه دوم به سدهای بزرگ اختصاص می دهیم ولی پایین دست تقریباً خیلی بی بهره است.

در برنامه اول و قبل از برنامه هم همین بوده است. یکی از اهداف ایجاد سدها استفاده از آب پشت سد است. محدود جاهایی است که ما از برقشان صرفاً استفاده می کنیم. اگر نظارت قوی باشد، قطعاً ما برای سرمایه گذاری اولویت قائل می شویم، این تبدیل می شود به مسیری که از آبهای موجود استفاده بشود و این به معنای مخالفت با احداث سد نیست.

ولی اگر ما پول کم داریم باتوجه به اولویتها با این پول کم می توانیم جای دیگری بهره بیشتری داشته باشیم. اگر نظارت باشد برای آنها توجه پذیرتر هم می شود. از نزدیک می روند، می بینند و گزارشهای درست را ارزیابی می کنند و بر مبنای آن اولویتها را تشخیص می دهند.

● آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون کشاورزی: مهمترین اشکال برنامه اول، ضعف اطلاعات انفورماتیک بود.